



<https://jas.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Applied Sociology

E-ISSN: 2322-343X

Vol. 36, Issue 4, No.100, 2025, pp 1-22

Received: 10.08.2024 Accepted: 13.04.2025

Research Paper

Fluid Gender Performance: Understanding of Girlhood by Adolescent Girls

Fateme Adelkhah

M.A. of Sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Yazd, Yazd, Iran
adelkhah@stu.yazd.ac.ir

Hossein Afrasiabi*

Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Yazd, Yazd, Iran
hafraziabi@yazd.ac.ir

Introduction

This study explored the concept of girlhood as a socially constructed and dynamic experience shaped by the interplay of cultural, socioeconomic, and racial factors rather than by biological determinism. Within the framework of gender studies, girlhood is understood as a fluid and multifaceted identity influenced by both individual agency and sociocultural context. Focusing on adolescent girls in Yazd, Iran, this research investigated how young women conceptualize, perform, and renegotiate their identities in the midst of evolving traditional norms and modern influences. In recent years, Yazd has undergone significant sociocultural transformations—including urbanization, increased tourism, and influx of global youth culture—that have complicated identity formation for adolescent girls. Drawing on qualitative data, this study revealed that girlhood is a contested space where conventional gender roles are both internalized and challenged.

Materials & Methods

This qualitative research adopted a constructivist grounded theory approach (Charmaz, 2006) and was conducted between 2023 and 2024. Data collection included 25 semi-structured interviews with adolescent girls aged 16 to 22 years and supplemented by a focus group with eight 16-year-old participants. Purposive and theoretical sampling methods were employed to ensure diverse representation of socioeconomic backgrounds from various neighborhoods in Yazd. Data analysis followed a 3-phase coding process: initial, axial, and theoretical coding. To uphold research rigor and trustworthiness, ethical considerations—such as informed consent, confidentiality, and data security—were meticulously adhered to. Additionally, credibility was bolstered through member checking, peer debriefing, and methodological triangulation.

Discussion of Results & Conclusion

The analysis resulted in the identification of 6 major categories that illuminated the complexities of girlhood in the contemporary context of Yazd:

- Fluid Subjectivity:** Girlhood was experienced as a dynamic and embodied identity shaped by emotional and physical transformations. Participants redefined femininity through heightened body awareness, self-expression, and gender fluidity, challenging rigid binary norms.
- Traditional Discourses and Reproduction of Gender Norms:** Familial and societal expectations reinforced hegemonic femininity, emphasizing obedience and domesticity, which often restricted autonomy and perpetuated gender inequalities.
- Dynamics of Modern Life:** Engagement with modern spaces—such as universities, cafés, workplaces, and digital platforms—created opportunities for individual expression and identity experimentation, while also introducing new pressures, including ideals based on appearance and the need for social validation.
- Structural and Cultural Challenges:** Legal restrictions, parental control, and public surveillance, including harassment, continued to impact the lived experiences of girls, reinforcing patriarchal control and limiting personal freedom.

* Corresponding author

Adelkhah, F., & Afrasiabi, H. (2025). Fluid gender performance: Understanding of girlhood by adolescent girls. *Journal of Applied Sociology*, 36(4), 1-22. <https://doi.org/10.22108/jas.2025.145274.2644>



5. **Fragmented Lived Experience:** As girls navigated the tension between traditional and modern expectations, they often adopted multiple and sometimes contradictory roles across different social contexts. This multiplicity not only fostered adaptability and creative self-representation, but also generated psychological tension and identity fragmentation.

6. **Gendered Subjectivity and Agency:** Despite facing constraints, adolescent girls actively engaged in negotiation, resistance, and redefinition of norms, creating alternative spaces for self-expression and asserting their gendered agency.

The core category—Fluid Gender Performance—captured the central process, through which girls in Yazd navigated the tensions between traditional expectations and modern values. Rather than conforming to a fixed notion of femininity, participants actively constructed context-dependent identities by performing multiple expressions of

femininity. This study revealed that girlhood emerged as a dynamic, negotiated, and often contradictory experience—one that was simultaneously constrained by structural and cultural forces and enriched by moments of agency, creativity, and transformation.

Positioned at the intersection of tradition and modernity, adolescent girls in Yazd actively engaged in the re-articulation of gender roles and identities. This research offered a nuanced understanding of girlhood as a fluid, performative, and contested category shaped by ongoing sociocultural negotiations. The findings contribute to broader discussions in gender studies by highlighting how localized experiences of girlhood reflect global currents of gender fluidity, resistance, and identity reconstruction.

Keywords: Girlhood, Gender Identity, Gender Role, Femininity, Gender Fluidity.



مقاله پژوهشی

برساخت سیال جنسیت: واکاوی مفهوم دخترانگی نزد دختران نوجوان

فاطمه عادل‌خواه، کارشناس ارشد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

f.adelkhah99@gmail.com

حسین افراسیابی*، استاد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

hafrasiabi@yazd.ac.ir

چکیده

دخترانگی به‌عنوان برساختی اجتماعی متأثر از تغییرات اجتماعی و فرهنگی دگرگون شده است. این پژوهش با هدف بررسی مفهوم دخترانگی در میان نوجوانان انجام شده است. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش داده‌بنیاد برساختی در سال‌های ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۳ انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۵ دختر نوجوان ۱۶ تا ۲۲ ساله و یک گروه متمرکز شامل ۸ دختر ۱۶ ساله در شهر یزد گردآوری شده‌اند. تحلیل داده‌ها با روش چارمز و در سه مرحله کدگذاری اولیه، محوری و نظری صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که مقولات اصلی شامل «سوژگی سیال»، «گفتمان سنت و بازتولید جنسیت»، «پویایی‌های مدرنیته»، «چالش‌های ساختاری و فرهنگی»، «زیست چندپاره»، «کنشگری جنسیتی»، و «زمان‌مندی و مکان‌مندی جنسیتی» هستند. مقوله مرکزی پژوهش، «ایفای سیال جنسیت» است که بر پویایی و بازتعریف دخترانگی در بسترهای فرهنگی و اجتماعی تأکید دارد؛ درنهایت، مدل نظری‌ای برای تبیین دخترانگی به‌عنوان مفهومی درحال تحول ارائه شد.

واژه‌های کلیدی: دخترانگی، هویت جنسیتی، نقش جنسیتی، زنانگی

* نویسنده مسؤول:

عادل‌خواه، فاطمه و افراسیابی، حسین. (۱۴۰۴). برساخت سیال جنسیت: واکاوی مفهوم دخترانگی نزد دختران نوجوانان، جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۶(۴)، ۱-۲۲.

<https://doi.org/10.22108/jas.2025.145274.2644>



2322-343x © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



<https://doi.org/10.22108/jas.2025.145274.2644>

مقدمه و بیان مسئله

دخترانگی نه مسیری از پیش تعیین شده، بلکه فرایندی باز و در حال شکل‌گیری است که در آن فرد با حرکت در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مختلف، تجربه‌های نو و برداشت‌های متغیری از جنسیت خود کسب می‌کند. این مفهوم، در بسترهای اجتماعی و تاریخی متفاوت، معناهای گوناگونی به خود می‌گیرد و نمی‌توان آن را به چارچوب‌های ثابت و جهانی تقلیل داد. در جامعه امروز، دخترانگی از یک ساختار هنجاری و یکپارچه فاصله گرفته و به تجربه‌ای سیال، پویا و زمینه‌مند تبدیل شده است.

در چارچوب مطالعات جنسیت، هویت جنسیتی به برداشت درونی فرد از جنسیت خود اطلاق می‌شود؛ برداشتی که الزاماً با جنس زیستی تعیین شده در بدو تولد همخوانی ندارد و می‌تواند متأثر از زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، در گذر زمان تغییر یابد (Lindqvist et al., 2021: 2-3). پژوهش‌ها این هویت را مفهومی چندلایه، انعطاف‌پذیر و برآمده از کنش متقابل مؤلفه‌های زیستی، اجتماعی، فرهنگی و زبانی می‌دانند (Mazucca et al., 2020). در این میان، دخترانگی به عنوان مرحله‌ای کلیدی در فرایند شکل‌گیری هویت جنسیتی واجد اهمیت ویژه‌ای است. این دوره نه تنها گذار از کودکی به بزرگسالی را شامل می‌شود، بلکه فضای معلق میان تثبیت‌نیافتگی نقش‌های مرسوم بزرگسالی (نظیر مادری یا همسری) و امکان کنشگری، بازتعریف و مذاکره درباره جنسیت را فراهم می‌آورد. برخلاف درکی صرفاً زیستی یا سنی، دخترانگی به مثابه ساختاری اجتماعی و فرهنگی فهم می‌شود که ویژگی‌هایی نظیر نظارت، کنترل، تعارض هویتی و خودابژه‌سازی را دربر می‌گیرد (Daniels et al., 2020). مرزهای دخترانگی، سیال و وابسته به زمینه‌های فرهنگی، طبقاتی و نژادی‌اند؛ این مفهوم به شکل‌های گوناگون و در بستر تجربه‌های تقاطعی بازتعریف می‌شود (Epstein et al., 2017). در چنین بستری، دختران با پذیرش یا مقاومت در برابر گفتمان‌های مسلط درباره بدن، ذهن و رفتار، هویت زنانه خود را به تدریج می‌سازند (Krajewski, 2023).

در ادبیات فرهنگی و جنسیتی، دخترانگی تجربه‌ای سیال، زمینه‌مند و در تعامل دائم با ساختارهای قدرت، خانواده، رسانه و مدرسه است. در این معنا دختران در مقام کنشگرانی فعال در شکل‌دهی به معناهای جنسیتی نقش ایفا می‌کنند و تجربه زیسته آن‌ها، فرصتی برای مطالعه پویایی هویت جنسیتی در بستر اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌سازد (محمدی، ۱۴۰۲: ۱۱۷-۱۱۸).

پژوهش‌های انجام‌شده دربارهٔ برساخت دخترانگی عمدتاً در سه محور اصلی دسته‌بندی می‌شوند: نخست، بازنمایی دخترانگی در رسانه‌ها و بسترهای فرهنگی که به بازتولید کلیشه‌های جنسیتی، تصویر بدنی منفی و خودابژه‌سازی منجر می‌شود. در این حوزه به نقش بازی‌های رایانه‌ای (احمدی و مهرپرور، ۱۳۹۷)، سریال‌های تلویزیونی (متظر قائم و پاک، ۱۳۹۴) و رسانه‌های جدید (خزایی، ۱۴۰۰؛ Daniels et al., 2020) توجه شده است؛ دوم، تجربه‌های زیسته دختران و بازتعریف دخترانگی در بافت‌های نهادینه مانند مدرسه، خانواده و مراکز بازپروری است که در آن دختران با اتکا به عاملیت خود، هویتشان را بازسازی کرده‌اند (خزایی و چیت‌ساز، ۱۳۹۹؛ آبیار و آبیار، ۱۳۹۸؛ دانش و همکاران، ۱۴۰۲؛ نیاز و زایری، ۱۴۰۲). در این پژوهش‌ها مفاهیمی چون دینداری آسایش طلبانه، اقلیت‌بودگی، شکنندگی هویت و عاملیت دخترانه بازخوانی شده‌اند؛ سوم، تأثیر ساختارهای قدرت و عوامل تقاطعی مانند نژاد، دین، طبقه و جنسیت بر هویت دخترانه و مقاومت‌های خلاقانه در برابر کلیشه‌ها است که بیشتر در ادبیات بین‌المللی به آن توجه شده است (Eyman, Miller, 2010; Hannell, 2021; Hayat, 2024; Diamond, 2020 et al., 2022). این مطالعات بر سیالیت هویت جنسیتی و مشارکت دختران در بازتعریف نقش‌های اجتماعی خود تأکید دارند.

همچنین، برخی مطالعات بر نقش نهادهای رسمی و غیردولتی در بازتولید یا تغییر هویت جنسیتی تمرکز داشته‌اند؛ برای نمونه، پژوهش رئوف ملایری و همکاران (۱۳۹۷) تعامل خانواده و مدرسه را در تربیت جنسیتی بررسی کرده‌اند و

پیشینه تجربی تحقیق

بررسی مطالعات پیشین در حوزه دخترانگی اهمیت دارد؛ زیرا با شناسایی الگوهای مفهومی، خلأهای پژوهشی و روندهای تاریخی در بازنمایی، هویت‌یابی و تجربه‌های زیسته دختران، زمینه را برای تحلیل دقیق‌تر فراهم می‌سازد. پژوهش حاضر به مرور تحقیقات ۱۰ سال اخیر پرداخته است تا تحولات و دیدگاه‌های مختلف در این زمینه را بررسی کند.

منتظر قائم و پاک (۱۳۹۴) برساخت مفهوم دخترانگی را در سه سریال تلویزیونی از دهه‌های ۱۳۷۰، ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ بررسی می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که هر سه سریال با وجود تفاوت‌ها، گفتمان مشترکی را با عنوان «دختران در خطر» ارائه می‌دهند و دختران را به‌عنوان موجوداتی منفعل و نیازمند مراقبت بزرگسالان به تصویر می‌کشند. احمدی و مهرپرور (۱۳۹۷) در مقاله‌ای حامل‌های فرهنگی مدیریت بدن و تقویت سرمایه جنسی را در بازی‌های رایانه‌ای دخترانه بررسی کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این بازی‌ها کاربران را با دنیای بزرگسالان آشنا می‌کنند و مفاهیمی مانند آراستگی، مصرف‌گرایی و روابط نامشروع را به کودکان القا می‌کنند. این امر به بلوغ زودرس و زوال دوران کودکی در کاربران منجر می‌شود. رئوف ملایری و همکاران (۱۳۹۷) نقش خانواده و مدرسه را در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران بررسی کردند. با استفاده از روش کیفی و تحلیل محتوا، ۱۸ مصاحبه با متخصصان انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که خانواده و مدرسه به‌عنوان نهادهای اصلی شکل‌دهنده هویت جنسیتی سالم عمل می‌کنند و تعامل مناسب بین این دو نهاد ضروری است. یافته‌ها می‌تواند در تعیین اولویت‌های تربیتی مدارس دخترانه و تحقق اهداف آموزشی مؤثر باشد. آبیاری و آبیاری (۱۳۹۸) عوامل مؤثر بر افول هویت زنانگی دختران را در خانه‌های سلامت بررسی کردند. با استفاده از روش کیفی و مصاحبه با ۸ نفر از دختران نشان دادند که کلیشه‌های جنسیتی، خودپنداره منفی و جبرگرایی به‌شدت بر شکنندگی هویت دخترانه آن‌ها تأثیر می‌گذارد. هدف، مراکز بازیابی هویت توانمندسازی این دختران است.

نشان داده‌اند که همسویی این نهادها نقش مؤثری در شکل‌گیری هویت سالم دختران دارد. همچنین، پژوهش‌های کیفی همچون محمدی (۱۴۰۲) و قاسم‌پور و گودرزی (۱۴۰۰) نیز به بازتاب‌های احساسی، روانی و اجتماعی دختران در مواجهه با محدودیت‌های جنسیتی پرداخته‌اند.

بررسی ادبیات موجود حاکی از کمبود مطالعات درباره تعریف و بازتعریف دخترانگی، مسئله‌شدن دخترانگی و بسترهای مسئله‌ساز دختربودن در میان دختران نوجوان در ایران است. سؤال اصلی پژوهش این است: دختران نوجوان چگونه دخترانگی را تعریف و بازتعریف می‌کنند؟ این پژوهش قصد دارد راه‌های مختلفی را آشکار کند که دختران نوجوان در یزد دختربودن را تعریف و تجربه می‌کنند. یکی از عوامل زمینه‌ای برای انجام این پژوهش، تغییرات اخیر در بافت سنتی یزد است. این تغییرات از جمله توسعه گردشگری، شهرنشینی روزافزون، رشد صنعتی و افزایش مهاجرت و گرایش به فرهنگ جهانی در میان نسل‌های جوان، با حفظ فرهنگ سنتی در شهر یزد همراه بوده است. این امر برای دختران نوجوان در مدیریت تعارض سنت و مدرنیته و ساختن هویت زنانه خود معضلی ایجاد کرده است. مطالعه حاضر در میان دختران نوجوان ۱۶-۲۲ ساله مجرد یزدی صورت گرفته است. در سال‌های اخیر، تعریف نوجوانی فراتر از بازه سنی ۱۰ تا ۱۹ سال رفته و تا حدود ۲۴ سالگی گسترش یافته است؛ زیرا از یک سو بلوغ زیستی زودتر آغاز می‌شود و از سوی دیگر، گذار به نقش‌های بزرگسالی مانند ازدواج، اشتغال و استقلال مالی دیرتر رخ می‌دهد؛ بنابراین، دوره نوجوانی اکنون بخشی طولانی‌تر و پیچیده‌تر از گذشته در مسیر زندگی محسوب می‌شود (Sawyer et al., 2018). اهمیت مطالعه ساختار دخترانگی در میان دختران نوجوان یزد در شناخت عاملیت و آزادی آن‌ها در شکل‌دهی به هویت خود و چالش‌هایی است که دختران در پذیرش یا رد نقش‌های جنسیتی با آن مواجه هستند؛ علاوه‌براین، بینش‌هایی درباره ارزش‌ها و هنجارهای شکل‌دهنده دخترانگی در این زمینه ارائه می‌دهد.

می‌کنند. این یافته‌ها می‌تواند زمینه‌ساز سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثرتر در راستای حمایت از دختران جوان باشد.

در مطالعات بین‌المللی نیز حیات^۱ (2024) هویت دختران مسلمان، سیاه‌پوست و بومی را در تقاطع نژاد، مذهب و فرهنگ بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که این هویت‌ها بیشتر با کلیشه و تبعیض تحریف می‌شوند، اما دختران از راهبردهای مقاومت و تاب‌آوری برای بازتعریف هویت خود بهره می‌گیرند. نیچای^۲ و همکاران (2024) ظرفیت دختران سیاه‌پوست را در خلق فضاهای نوین در پژوهش‌های آموزشی بررسی کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد که دختران سیاه‌پوست زبان و تجربیات خود را برای بیان هویت و آزادی دارند و پژوهشگران باید به‌جای تغییر آن‌ها، از این منابع برای بازتعریف مفاهیم انسانی و آموزشی بهره ببرند. ایمن^۳ و همکاران (2022) در مطالعه‌ای به وجود تنوع در هویت‌های جنسیتی اشاره کرده‌اند. ۳۳ درصد از شرکت‌کنندگان، هویتی متفاوت از جنسیت تعیین شده در بدو تولد داشتند و ۲۶ درصد خود را بی‌جنس‌گرا معرفی کردند. هانل^۴ (2021) نقش دین و ایمان را در هواداری دختران مسلمان از سریال نوجوانانه «اسکام» بررسی کرد. نتایج نشان داد که هواداری برای این دختران فرصتی است تا هویت و حضور اجتماعی خود را بازتعریف کنند و روایت‌های کلیشه‌ای دربارهٔ دختران مسلمان را به چالش بکشند. این مطالعه بر اهمیت توجه به تنوع فرهنگی و مذهبی در مطالعات هواداری تأکید دارد. دنیلز^۵ و همکاران (2020) با مرور ۶۶ مطالعه، خودابژه‌سازی را در میان دختران زیر ۱۸ سال بررسی کرده‌اند. آن‌ها نشان دادند که با افزایش سن، خودابژه‌سازی در دختران شدت می‌یابد و فرایندهای رشد و تحول نقش مهمی

خزائی و چیت‌ساز (۱۳۹۹) تجربهٔ زیسته تحصیل دختران در مدارس اسلامی غیرانتفاعی دخترانه را با رویکرد کیفی و تحلیل مضمونی بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد که تجربیات دانش‌آموزان به چهار مضمون اصلی تقسیم می‌شود: تداوم زیست مرفهانه، بازتولید احساس اقلیت‌بودگی، دینداری آسایش‌طلبانه، مواجهه با دیگری. این مطالعه نشان می‌دهد که فارغ‌التحصیلان این مدارس در مواجهه با تنوع بیرونی و متأثر از عادت‌واره‌های مرفهانه، کنش‌ها و تفاسیر خود را شکل می‌دهند. قاسم‌پور و گودرزی (۱۴۰۰) با رویکرد پدیدارشناسانه، سه نوع درک از جنسیت (طبیعت‌محور، تلفیقی و برابری‌خواه) را استخراج کردند. خزایی (۱۴۰۰) با انجام مطالعه‌ای کیفی در شهر بروجرد، برساخت هویت بدنی دختران نوجوان را بررسی کرد. نتایج نشان داد که کلیشه‌های جنسیتی، مقایسهٔ بدنی و رسانه‌ها از جمله عوامل مؤثر بر تصویر بدنی منفی هستند که به بروز اضطراب جسمانی، شرم و ازخودبیگانگی جنسیتی منجر می‌شوند. دختران در پاسخ، راهبردهایی مانند پایش مداوم بدن و رژیم‌های غذایی ناسالم را اتخاذ می‌کنند. محمدی (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای کیفی تجربیات زیستهٔ دختران را از دخترانگی بررسی و نشان داده است که این دانشجویان با محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی به‌دلیل دختربودن مواجه‌اند و خواستار افزایش عاملیت دختران در جامعه هستند. دانش و همکاران (۱۴۰۲) تجربه‌های زیستهٔ دانش‌آموزان دختر را از دخترانگی بررسی کرده و از روش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی استفاده کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که روایت‌های دانش‌آموزان به سه مضمون اصلی شامل ویژگی‌های دخترانه، مسائل دخترانه و عاملیت دخترانه تقسیم‌بندی می‌شود.

نیاز و زایری (۱۴۰۲) درک دختران را از دخترانگی و تأثیر آن را بر هویت جنسیتی بررسی کردند. با استفاده از روش پدیدارشناسی نشان دادند که درک دختران از دخترانگی تنها ناشی از شرایط ساختاری نیست، بلکه آن‌ها با بازاندیشی در هویت شخصی و اجتماعی خود، هویتشان را بازسازی

¹ Hayat

² Nyachae

³ Eymann

⁴ Hannell

⁵ Daniels

ملاحظات نظری

به‌منظور بررسی و تحلیل برساخت دخترانگی از دو نظریه در حوزه مطالعات جنسیت استفاده می‌شود: نظریه جودیت باتلر و میشل فوکو. هر دوی این نظریه‌پردازان در قالب چارچوب‌های فکری خود فرایندهای اجتماعی، فرهنگی و قدرت را بررسی می‌کنند که در شکل‌گیری هویت‌های جنسیتی، به‌ویژه دخترانگی، نقش دارند.

جودیت باتلر (1990) مفهوم «اجرای جنسیت» را به‌عنوان یکی از نظریه‌های بنیادی خود مطرح می‌کند و استدلال می‌کند که جنسیت نه یک ویژگی درونی، ذاتی یا طبیعی، بلکه برساخته‌ای است که از طریق تکرار اعمال، ژست‌ها، رفتارها و گفتارهای اجتماعی شکل می‌گیرد. جنسیت حاصل تکرار مداوم کنش‌های اجتماعی است که در طول زمان تثبیت می‌شود. این تکرارها بدن را در قالب‌های فرهنگی مانند زنانه یا مردانه شکل می‌دهند (Butler, 1990, 179).

درواقع اعمال جنسیتی نه بازتاب هویتی از پیش موجود، بلکه خود سازنده آن هویت‌اند. یعنی رفتارهای ما این توهم را ایجاد می‌کنند که گویی هویتی ثابت در درون ما وجود دارد (Butler, 1990, 171). اجرای جنسیت بر سطح بدن انجام می‌شود و این اجراها را جامعه از طریق قوانین، پاداش و تنبیه تنظیم می‌کند. افراد در فشار هنجارهای فرهنگی ناچار به بازتولید این اجراها هستند.

درگ^۴ یا مبدل‌پوشی نوعی نمایش یا اجراست که در آن فرد با اغراق در ظاهر یا رفتار زنانه یا مردانه، نقش جنسیتی خاصی را بازی می‌کند، بدون اینکه الزاماً با جنسیت یا بدن خودش مطابقت داشته باشد. باتلر (1990) از مبدل‌پوشی به‌عنوان نمونه‌ای از پارودی^۵ جنسیت یاد می‌کند تا نشان دهد که هویت‌های زن و مرد برخلاف آنچه رایج است، امری ذاتی یا طبیعی نیستند، بلکه بر اثر تکرار نقش‌ها و هنجارهای اجتماعی ساخته می‌شوند. مبدل‌پوشی با وارونه‌سازی

در این زمینه دارند. دایمند^۱ (2020) نیز با مرور مطالعات مربوط به کودکان و نوجوانان بر افزایش هویت‌های غیردوویی و سیال جنسیتی و اهمیت حمایت روانی از آنان تأکید دارد. پژوهش کیفی پایلیچاتی^۲ (2015) نشان می‌دهد که مشارکت در فوتبال به دختران نوجوان امکان تجربه و جابه‌جایی میان هویت‌های جنسیتی را می‌دهد. میلر^۳ (2010) نیز در مطالعه‌ای خود-مردم‌نگارانه به شکل‌گیری هویت جنسی سیال در دختران کشتی‌گیر در محیط‌های سنتی مردانه پرداخته است. این مطالعات بر درک جنسیت به‌عنوان مفهومی پویا و چندبعدی تأکید دارند.

پژوهش‌های مرور شده در چند دسته اصلی قرار می‌گیرند: بازنمایی دخترانگی در رسانه: این تحقیقات نشان می‌دهند که رسانه‌ها بیشتر دختران را منفعل یا نیازمند مراقبت نشان می‌دهند و می‌توانند به بلوغ زودرس یا ازخودبیگانگی منجر شوند. هویت‌یابی و عوامل مؤثر: مطالعات بر نقش خانواده و مدرسه در شکل‌گیری هویت جنسیتی سالم تأکید دارند، درحالی‌که کلیشه‌های جنسیتی و خودپنداره منفی می‌تواند آن را تضعیف کند. تجربه زیسته دختران: این پژوهش‌ها به درک دختران از محدودیت‌ها و محرومیت‌های ناشی از دختربودن و تمایل آن‌ها به افزایش عاملیت در جامعه می‌پردازند. هویت‌های تقاطعی و سیال: تحقیقات بین‌المللی بر تنوع هویت‌های جنسیتی، از جمله هویت دختران در تقاطع نژاد، مذهب و فرهنگ و همچنین افزایش هویت‌های غیردوویی تأکید دارند. پژوهش حاضر با تمرکز بر تجربیات دختران نوجوان در فضای سنتی شهر یزد، تأثیر این فضا را بر برساخت هویت جنسیتی آن‌ها بررسی می‌کند. این مطالعه با رویکرد کیفی به شیوه‌های بیان هویت و سیالیت جنسیتی می‌پردازد و شکاف دانشی موجود در مطالعات پیشین را پر می‌کند.

¹ Diamond

² Pielichaty

³ Miller

⁴ Drag

⁵ Parodie

افراد، بدن‌ها، یا رفتارها را بسیج کنند، شکاف‌های اجتماعی ایجاد کنند یا وحدت‌ها را بازآرایی کنند. نقاط مقاومت، که به صورت سیال و گذرا در جامعه توزیع شده‌اند، گاهی به انقطاع‌های بزرگ منجر می‌شوند؛ اما بیشتر به صورت محلی و تاکتیکی عمل می‌کنند. همان‌طور که قدرت از طریق نهادها و دستگاه‌ها تاروپودی متراکم می‌سازد، مقاومت‌ها نیز از لایه‌های اجتماعی و فردی عبور می‌کنند و امکان انقلاب را از طریق رمزگذاری استراتژیک خود فراهم می‌کنند (Foucault, 1978, 95-96).

روش تحقیق

پژوهش حاضر با اتکا به مبانی فکری تفسیرگرایی به دنبال درک و تفسیر دختران نوجوان از دخترانگی و دختربودن است. با توجه به این مبانی فکری، رویکرد کیفی انتخاب شد. در پژوهش حاضر از روش نظریه‌ی زمینه‌ای بر ساخت‌گرا (Charmaz, 2006) استفاده شد. این روش به این معناست که نظریه‌ی این پژوهش مستقیماً از داده‌ها استخراج می‌شود. داده‌ها به‌طور منظم جمع‌آوری و تحلیل شد و در این روش، گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه‌ی نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ قرار داشتند. جامعه‌ی مطالعه‌ی شده در این پژوهش شامل دختران نوجوان ۱۶ تا ۲۲ ساله‌ای است که در محیط‌های مختلف از جمله دانشگاه‌ها، مدارس، کافه‌ها و پارک‌های شهر یزد با آن‌ها مصاحبه شد. همه‌ی مشارکت‌کنندگان مجرد بودند. این دختران به‌لحاظ تحصیلی در رشته‌های گوناگونی مشغول به تحصیل بودند که این امر تنوع فکری و تجربی آن‌ها را نشان می‌دهد. همه‌ی این دختران، بومی شهر یزد هستند و در این شهر سکونت دارند که این موضوع به تحقیق، امکان بررسی دقیق‌تر تأثیرات فرهنگی و اجتماعی محیط بومی را بر هویت دخترانگی آنان می‌دهد. شیوه‌ی گردآوری داده‌ها مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته و شرکت در گروه متمرکز بود. ۲۵ مصاحبه‌ی نیمه‌ساختار یافته و با هشت نفر گروه متمرکز انجام شد. در جدول ۱ مشخصات مشارکت‌کنندگان در مصاحبه بیان شده است.

کلیشه‌های زنانه یا مردانه، مرز بین «ظاهر» و «باطن» را به چالش می‌کشد و افشا می‌کند که حتی آنچه «جنسیت واقعی» پنداشته می‌شود، خود یک تقلید از تقلید است، نه یک اصل یا حقیقت. این نوع پارودی^۱ می‌تواند نظام طبیعی‌انگارانه جنسیت را بی‌اعتبار کند و راه را برای دگرگونی‌های فرهنگی و هویتی باز کند (Butler, 1990, 174-175).

جنسیت، از نگاه فوکو (1978) واقعیتی اجتماعی است که در شبکه‌ی قدرت-دانش شکل می‌گیرد. از اواخر قرن شانزدهم، «گفتمانی‌شدن جنسیت» نه با محدودیت، بلکه با مکانیسمی از تحریک و گسترش همراه بوده است. نهادهایی مانند پزشکی و روان‌شناسی از طریق تولید دانش، هویت‌های جنسی را تعریف کرده‌اند، هنجارها را تثبیت و انحرافات را به‌عنوان بیماری یا نابهنجاری مشخص کرده‌اند. قدرت در این فرایند، نه تنها سرکوب می‌کند، بلکه دانش و درک ما از جنسیت را می‌سازد و از طریق گفتمان‌های علمی، لذت‌ها را مدیریت و شدت می‌بخشد. هدف فوکو ردیابی این رژیم قدرت-دانش-لذت است که گفتمان جنسیت را در جهان غرب شکل داده است، نه تعیین اینکه آیا جنسیت ممنوع شده یا خیر، بلکه فهم اینکه چگونه و چرا به این شیوه «به گفتمان درآمده» است (Foucault, 1978, 3-13). فوکو همچنین بر مقاومت در برابر قدرت تأکید دارد. قدرت و مقاومت به‌صورت رابطه‌ای پویا عمل می‌کنند: قدرت، مقاومت را برمی‌انگیزد و مقاومت به‌نوبه خود می‌تواند نقاط جدیدی برای اعمال قدرت ایجاد کند. این دیدگاه، برخلاف تصور ساده‌انگارانه سرکوب و رهایی‌نشان می‌دهد که مقاومت‌ها نه تنها در برابر قدرت، بلکه در تعامل با آن شکل می‌گیرند و می‌توانند به بازتولید یا بازآرایی روابط قدرت منجر شوند. این مقاومت‌ها نه مرکز واحدی دارند و نه صرفاً واکنش‌های منفعل به سلطه‌اند. آن‌ها به‌عنوان عنصری غریب و حذف‌ناپذیر در دل قدرت حک شده‌اند و می‌توانند

^۱ (پارودی تقلید طنزگونه از یک کار هنری دیگر است. نقیضه در مواردی به قصد استهزاء و نقد اثر ساخته می‌شود و در مواقعی تنها هدف خندانیدن یا فهماندن موضوعی به‌صورت پنهان و طنز است.)

جدول ۱- مشخصات مشارکت‌کنندگان

Table 1- Participants characteristic

ردیف	نام مستعار	سن	وضعیت تحصیل	رشته تحصیلی	وضعیت اشتغال	محل زندگی
۱.	سارا	۱۶	دانش‌آموز	حسابداری	-	آزادشهر
۲.	محیا	۱۸	دانش‌آموز	حسابداری	ناخن‌کار	بلوار مدرس
۳.	فریبا	۲۰	دانشجو	جامعه‌شناسی	-	بلوار جمهوری
۴.	زهرا	۱۸	دانشجو	حقوق	-	رزمندگان
۵.	ریحانه	۱۸	دانشجو	فقه و حقوق	-	فلکه سوم آزادشهر
۶.	بهار	۲۰	دانشجو	حسابداری	حسابدار	شاهدیه
۷.	زینب	۲۰	دانشجو	جامعه‌شناسی	آرایشگر	دهه فجر
۸.	باران	۲۰	دانشجو	حسابداری	-	خ ایرانشهر
۹.	فرزانه	۲۰	دانشجو	علوم ورزشی	-	همافر
۱۰.	کیمیا	۱۸	دانشجو	گردشگری	-	بلوار دانشجو
۱۲.	نرگس	۲۰	دانشجو	زیست	-	مرکز شهر
۱۳.	ملیکا	۱۹	دانشجو	جامعه‌شناسی	-	آزادشهر
۱۴.	مهناز	۱۹	دانشجو	علوم تربیتی	شرکت خصوصی	شهرک دانشگاه
۱۵.	ساناز	۲۰	دانشجو	مددکاری	-	آزادشهر
۱۶.	مهلا	۲۱	دانشجو	پزشکی	-	شهرک ولیعصر
۱۷.	پریا	۲۰	دانشجو	روان‌شناسی	-	مسکن
۱۸.	آوا	۲۰	دانشجو	مدیریت	حسابدار	خیابان انقلاب
۱۹.	مریم	۲۱	دانشجو	مردم‌شناسی	-	پاکنژاد
۲۰.	هانیه	۱۸	دانشجو	جامعه‌شناسی	ادمین	آزادشهر
۲۱.	سحر	۱۹	دانشجو	پلیمر	-	بلوار جوان
۲۲.	مهسو	۱۹	دانشجو	نساجی	-	صفائیه
۲۳.	شبنم	۱۸	دانشجو	دندان پزشکی	-	بلوار خامنه ای
۲۴.	مهدیه	۱۹	دانشجو	آمار	تاپیست	آزادشهر
۲۵.	مهیا	۲۲	دپلم	دپلم خیاطی	خیاط	شهرک ولیعصر

داده‌ها به‌طور هم‌زمان انجام شد. تصمیم‌گیری درباره داده‌های لازم برای مراحل بعدی و مکان‌های مناسب برای دستیابی به آن‌ها به‌منظور تدوین نظریه در حین شکل‌گیری نظریه صورت گرفت (فلیک، ۱۳۹۴: ۱۲۱).

به‌منظور تحلیل داده‌ها از روش چارمز (Charmaz, 2006) بهره گرفته شد. در اولین مرحله، فایل مصاحبه‌ها به متن تبدیل شده و تجزیه و تحلیل هم‌زمان با هر مصاحبه آغاز شد. برای نگارش یادداشت‌های تحلیلی، علاوه‌بر گوش‌دادن به مصاحبه‌ها، متن آن‌ها نیز چندین بار مطالعه شد. در مرحله دوم، داده‌ها خط‌به‌خط خوانده و مفاهیم و تم‌های اصلی شناسایی شدند و برای هر قسمت کدهای مرتبط اختصاص

مصاحبه گروهی با هشت دختر یزدی متولد سال ۱۳۸۶ انجام شد که فارغ‌التحصیل پایه نهم از مدرسه فاطمه‌الزهرا در منطقه عیش‌آباد یزد بودند. این دختران از ساکنین مناطق مختلفی همچون بلوار خامنه‌ای، شهرک ولیعصر، عیش‌آباد، خیرآباد و خیابان پارسائیان بودند و در طبقه متوسط شهری قرار داشتند. انتخاب آن‌ها به دلیل در دسترس بودن و مشارکت‌پذیری از این مدرسه انجام شد. در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام شده است. رویکرد هدفمند به این معناست که براساس موضوع، مسئله و موقعیت مدنظر، گروه هدف انتخاب می‌شود (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۱۳۵) و رویکرد نظری یعنی فرایند گردآوری، کدگذاری و تحلیل

برای ارتباط صادقانه فراهم شد. مطالعه هیچ‌گونه آسیبی به مشارکت‌کنندگان وارد نکرد و یافته‌ها به‌طور بی‌طرفانه ارائه شدند. همچنین، داده‌های ضبط‌شده پس از پیاده‌سازی حذف شد تا محرمانگی حفظ شود.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، پس از گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و جلسات گروه متمرکز، تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از روش نظریه داده‌بنیاد با رویکرد چارمز صورت گرفت. در این فرایند، داده‌ها به‌صورت خط‌به‌خط کدگذاری شدند و در پی آن مفاهیم، مقولات فرعی و مقولات اصلی استخراج شد. با تحلیل مقایسه‌ای مستمر و تلفیق کدها، مقولات شکل گرفتند و سازمان‌دهی شدند که در نهایت به تدوین نظریه‌ای تجربی منجر شد. در ادامه، ابتدا خلاصه‌ای از مقولات فرعی و اصلی در جدول ۲ ارائه می‌شود و سپس شرح تفصیلی یافته‌ها مطرح خواهد شد.

داده شد. در مرحله سوم، کدها و مفاهیم مشابه در دسته‌های انتزاعی‌تر قرار گرفتند. سپس روابط بین دسته‌ها بررسی و مقوله هسته شکل گرفت. در مرحله کدگذاری نظری، کدها و دسته‌ها بازنگری و اصلاح شده و نظریه جامع و منسجمی برای توضیح داده‌ها ایجاد شد. از نمونه‌گیری نظری برای غنی‌سازی نظریه استفاده شد و در نهایت، تمامی کدها و دسته‌ها در یک نظریه یکپارچه ادغام شد.

به‌منظور ارزیابی قابلیت اعتماد یافته‌ها، مصاحبه‌های عمیق و طولانی و تکنیک‌های کنترل ازسوی اعضا از طریق گروه متمرکز و تبادل نظر با هم‌تایان انجام شد. در این پژوهش از دو روش جمع‌آوری داده (مصاحبه عمیق و گروه متمرکز) استفاده شد. محقق به‌طور مداوم داده‌ها را بررسی کرد و از ردیابی برای ثبت دقیق تمام مراحل تحقیق از جمله روش‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها و تفسیر نتایج بهره برد. به‌منظور رعایت اصول اخلاقی، مشارکت‌کنندگان از اهداف و روش‌های پژوهش آگاه شدند و با رضایت کامل همکاری کردند. هویت و اطلاعات شخصی آن‌ها محرمانه باقی ماند و فضایی امن

جدول ۲- خلاصه مقولات فرعی و اصلی

Table 2- summary of categories and subcategories

مفاهیم و مقوله‌های اولیه	مقوله‌های محوری	مقوله مرکزی
تجربه بدنمند و عاطفی، قاعدگی سرآغاز دخترانگی، خود در آینه دیگری، حس خوددوستی، خودنگری بدنی، خلق سوزگی سیال و آفرینش، ابراز خود، بیان فردیت، نمادگرایی جنسیتی، سیالیت جنسیت، ظاهر آندروژنی	سوزگی سیال	
نقش خانوادگی: خانواده و تجسم دخترانگی، دختر هژمونیک؛ انتظارات هنجاری؛ انتظارات جنسیتی، مطیع‌بودن؛ کنترل اجتماعی: محدودیت پوشش، تفکر سنتی والدین، محدودیت رفت‌وآمد	گفتمان سنت و بازتولید جنسیت	
فضاهای مدرن (دانشگاه، محیط کار، گروه‌های اجتماعی)، فهم فراجنسیتی از دوستی، تصویر بدنی: بدن رسانه‌ای، بدن ایدئال، استانداردهای زیبایی، استقلال و توانمندی، فردگرایی، سیالیت جنسیت، توسعه فردی، سبک زندگی مدرن	پویایی‌های مدرنیته	
نگاه کنترل‌گر شهر، چالش‌های فضای مجازی، نگرش جنسیت‌محور به دوستی، باینری جنسیتی، چالش‌های رویکرد فراجنسیتی به دوستی، چالش‌های دختران در خانه، کنترل والدین، تابوهای بدنی، فشار اجتماعی: نگاه سنگین مردم، انگ اجتماعی، مزاحمت خیابانی	چالش‌های ساختاری و فرهنگی	
نوسان بین سنت و مدرنیته، نگاه دوگانه به خود، دو معنای دخترانگی، پنهان‌کاری علایق، نارضایتی بدنی، زیست چندپاره خودسانسوری، رفتار موقعیت‌محور	زیست چندپاره	
به چالش کشیدن کلیشه‌های جنسیتی، عاملیت در خانه، مذاکره با والدین، فراتر رفتن از کلیشه‌ها، روابط فراجنسیتی، خودسانسوری، انطباق با محیط، مجادله	کنشگری جنسیتی	
گذار زمانی هویت: بازتعریف در زمان، فضاهای هویت‌ساز: فضاهای خانگی (کنترل، مقاومت)، فضاهای عمومی (خیابان، کافه)، فضاهای مدرن (دانشگاه، رسانه)، پویایی تعاملی: مذاکره و مقاومت، اجرای چندگانه جنسیت، تعارض و انطباق، خلق بسترهای بدیل: شبکه‌های اجتماعی، فضاهای جمعی، ایجاد فضای بدیل	زمان‌مندی و مکان‌مندی جنسیتی	

سوژگی سیال

سوژگی سیال در دختران نوجوان به این معناست که هویت جنسیتی آنان امری پویا، تحول‌پذیر و وابسته به زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و روابط قدرت است؛ نه چیزی ثابت و از پیش تعیین‌شده. دختران در تعامل مداوم با انتظارات جنسیتی، نهادهای اجتماعی، بدن خود و تجربه‌های زیسته، پیوسته در حال بازتعریف معنای «دختر بودن» هستند. این بازتعریف‌ها طیفی از درونی‌سازی نقش‌های سنتی تا مقاومت و خلق معانی تازه را از دخترانگی در بر می‌گیرد.

در این راستا، تجربه بدنمند و عاطفی به معنای درک دختران از تفاوت‌های جسمی و احساسات مرتبط با دختران است که نقشی کلیدی در شکل‌گیری هویت جنسیتی ایفا می‌کند. خود در آیینۀ دیگری، به تعاملات اجتماعی و بازخوردهای دریافتی از دیگران اشاره دارد که بر خودآگاهی و درک دختران از هویت جنسیتی تأثیر می‌گذارد. حس خوددوستی و خودنگری بدنی به پذیرش و دوست‌داشتن خود و بدن به‌عنوان یک زن اشاره دارد که برای شکل‌گیری هویت جنسیتی مثبت ضروری است. خلق و آفرینش به توانایی‌های خلاقانه دختران مانند هنر، موسیقی و نویسندگی و همچنین پتانسیل مادرشدن اشاره دارد که جنبه‌ای مهم از هویت زنانه محسوب می‌شود. ابراز خود و بیان فردیت به شیوه‌هایی مانند لباس، آرایش و رفتار اشاره دارد که دختران از طریق آنها هویت جنسیتی خود را به نمایش می‌گذارند. نمادگرایی جنسیتی به استفاده از نمادها و نشانه‌های مرتبط با دخترانگی مانند رنگ‌ها، لباس‌ها و زیورآلات اشاره دارد. همچنین، سیالیت جنسیت به این مفهوم اشاره دارد که هویت جنسیتی امری ثابت و ایستا نیست، بلکه می‌تواند در طول زمان و براساس تجربیات و احساسات فردی تغییر کند. ظاهر آندروژنی به سبک پوشش و آرایشی اشاره دارد که مرزهای جنسیتی را محو می‌کند و به دختران امکان می‌دهد هویت جنسیتی خود را به شیوه‌ای منحصر به فرد و فراتر از کلیشه‌های سنتی ابراز کنند.

در این راستا، تجربه بدنمند و عاطفی نقشی اساسی در

شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران دارد. همان‌طور که شبنم ۱۸ساله به تفاوت‌های مشهود میان خود و برادرش اشاره می‌کند: «من و داداشم همیشه تفاوت‌هایی داشتیم، مخصوصاً وقتی بچه بودیم. اون زور بیشتری داشت و من فقط با جیغ و حرف از خودم دفاع می‌کردم. از نظر روحی، زن‌ها لطافت و صبری دارن که مردها کمتر دارن؛ برای همین می‌تونن مادر بشن. تفاوت‌های جسمی هم هست که یادآور می‌شن زنی؛ مثل ظاهر، مو، لباس یا حتی احساسات و رفتار.» او این تفاوت‌ها را نه تنها در ابعاد جسمانی، بلکه در ویژگی‌های روحی و عاطفی نیز مشاهده می‌کند و این تمایزات را جزئی از هویت دخترانه خود می‌داند. با این حال، دیدگاه مریم ۲۱ساله نشان‌دهنده رویکردی متفاوت به مقوله جنسیت است:

«من تفاوت دختر بودن رو بیشتر در جنبه‌های جسمی و هورمونی می‌بینم، نه توی شخصیت. باور دارم که جنسیت به طیفه و همه ما ترکیبی از ویژگی‌های زنونه و مردونه داریم. اینکه جامعه می‌گه دختر باید این‌طور باشه یا پسر اون‌طور، برام پذیرفته نیست. از نظر من دختر بودن چیز خاص یا متفاوتی نیست، فقط به آدمه مثل بقیه که حق انتخاب داره؛ برخلاف فرهنگی که معمولاً این حق رو از ما می‌گیره و می‌سپره دست پدر، مادر یا پارتنر. اینکه دختر باید ظریف یا ناز باشه هم الزاماً درست نیست؛ می‌تونه ظریف باشه یا جنگجو، بستگی به خودش.»

او جنسیت را طیفی می‌داند که افراد می‌توانند ویژگی‌های متناسب به هر دو جنس را در خود بروز دهند و معتقد است که نقش‌های جنسیتی، ساخته و پرداخته جامعه هستند؛ علاوه بر این، اولین قاعدگی برای بسیاری از دختران، نقطه عطفی در شکل‌گیری هویت جنسیتی آنهاست. این تنوع در دیدگاه‌ها و تجربیات نشان‌دهنده سیالیت جنسیت و پویا بودن هویت جنسیتی در دختران نوجوان است. هر دختری در مسیر کشف و تعریف هویت جنسیتی خود، معنای منحصر به فردی برای دختر بودن پیدا می‌کند.

گفتمان سنت و بازتولید جنسیت

گفتمان سنت و بازتولید جنسیت، چگونگی انتقال و تثبیت

نقش‌ها و انتظارات جنسیتی سنتی را از طریق نهادهای اجتماعی به‌ویژه خانواده بررسی می‌کند. این فرایند نشان می‌دهد که چگونه ارزش‌ها و باورهای سنتی درباره زنان و مردان از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و به بخشی از هویت افراد تبدیل می‌شود. در این چارچوب، سنت به‌عنوان نیرویی قدرتمند عمل می‌کند که نقش‌های جنسیتی را تعریف می‌کند و آن‌ها را به‌صورت امری طبیعی و غیرقابل تغییر جلوه می‌دهد. مقوله اصلی گفتمان سنت و بازتولید جنسیت حاصل مقولات فرعی نقش خانوادگی: خانواده و تجسم دخترانگی، دختر هژمونیک، انتظارات هنجاری: انتظارات جنسیتی، مطیع‌بودن، کنترل اجتماعی: محدودیت پوشش، تفکر سنتی والدین، محدودیت رفت‌وآمد است.

خانواده، به‌عنوان اولین نهاد اجتماعی شدن، نقشی کلیدی در این فرایند ایفا می‌کند و از همان دوران کودکی، افراد را با انتظارات و هنجارهای جنسیتی آشنا می‌سازد. در خانواده‌های سنتی، دختران بیشتر با ارزش‌هایی روبه‌رو می‌شوند که آن‌ها را به سمت پذیرش نقش‌هایی چون مطیع‌بودن، حفظ حیا و تمرکز بر خانه‌داری هدایت می‌کند. این ارزش‌ها از طریق تعاملات روزمره و انتظارات والدین به دختران منتقل می‌شود و در بسیاری از موارد، آن‌ها این هنجارها را درونی می‌کنند و به‌عنوان بخشی از هویت خود می‌پذیرند. مشارکت‌کنندگان بیان کردند که والدین در عمل بیشتر نقش زن را به وظایف خانگی و خانوادگی محدود می‌کنند و کار بیرون از خانه را خارج از دایره وظایف او می‌دانند. کنترل اجتماعی نیز یکی از ابزارهای اصلی این گفتمان است که از طریق محدودیت‌هایی مانند پوشش اجباری، نظارت بر رفتار و محدودکردن حضور دختران در فضاهای عمومی اعمال می‌شود. این محدودیت‌ها نه تنها رفتار دختران را شکل می‌دهند، بلکه هویت آن‌ها را در چارچوب‌های سنتی محصور می‌کنند. ریحانه ۱۸ساله در این باره می‌گوید:

«مثلاً بابام نداشت برم گیتار یاد بگیرم؛ چون استادش مرد بود و یا اینکه حق ندارم با پسرها برم بیرون. منظورم حتی به‌عنوان هم‌کلاسی است یا ما اصلاً توی خانوادمون پسرهای فامیل با دخترا احوالپرسی هم چندان نمی‌کنن... بعد

از عقد پسر عمه‌ام بود که برای اولین بار هم‌کلام شدیم. این اظهارات تضاد میان ارزش‌های سنتی خانواده و سبک زندگی نسل جدید را نشان می‌دهد و بیانگر این است که چگونه گفتمان سنت از طریق کنترل‌های اجتماعی، هویت جنسیتی را بازتولید می‌کند.

گفتمان سنت همچنین با مفهوم «دخترانگی هژمونیک» پیوند نزدیکی دارد. این مفهوم به ویژگی‌های ایدئال دختری در جامعه اشاره دارد که شامل عفت، حیا، پوشش کامل و تعهد به خانواده است. این الگو از طریق کلیشه‌های جنسیتی و انتظارات اجتماعی تقویت می‌شود و به بازتولید نقش‌های سنتی کمک می‌کند. دختران در این چارچوب، آگاهانه یا ناآگاهانه رفتار خود را با این انتظارات هماهنگ می‌کنند تا از پذیرش اجتماعی برخوردار شوند یا از قضاوت‌های منفی در امان بمانند. این هم‌نوایی گاهی از ترس طردشدن یا نیاز به امنیت اجتماعی ناشی می‌شود.

بازتولید جنسیت در این گفتمان تنها به انتقال ارزش‌ها محدود نمی‌شود، بلکه نابرابری‌های جنسیتی را نیز تداوم می‌بخشد. کلیشه‌هایی مانند ارتباط زنان با مشاغل خاص (معلمی، پرستاری) یا وظایف خانه‌داری، به‌عنوان بخشی از هویت جنسیتی درونی‌سازی می‌شوند. این فرایند از سنین پایین آغاز می‌شود و در طول زندگی متأثر از نهادهایی چون خانواده، آموزش و فرهنگ ادامه می‌یابد. مقاومت در برابر این گفتمان، هرچند در برخی موارد دیده می‌شود، به دلیل ریشه‌داربودن سنت و قدرت نهادهای اجتماعی، بیشتر با چالش‌های جدی مواجه است.

در بسیاری از خانواده‌های سنتی، انتظارات از دختران فراتر از وظایف خانگی و حفظ حیا می‌رود. دختران بیشتر با انتظاراتی برای ازدواج زود هنگام و تشکیل خانواده مواجه می‌شوند. این انتظارات نه تنها بر تصمیمات شخصی دختران تأثیر می‌گذارد، بلکه مسیر زندگی آن‌ها را نیز محدود می‌کند؛ برای مثال، مهلا ۲۱ساله می‌گوید:

«راستش خانواده‌ام خیلی اصرار دارن ازدواج کنم. برام خواستگار هم اومده. خودمم خیلی گارد ندارم؛ چون واقعاً

جلسات کتاب‌خوانی یا فعالیت‌های هنری به افراد کمک می‌کنند تا هویت خود را بازتعریف کنند و حس تعلق و خودآگاهی را تقویت کنند.

مهسو ۱۹ساله:

«برام مهم نیست بقیه چی می‌گن. مهم اینه که خودم باشم، راه خودمو برم، شغلمو پیدا کنم و استایلی داشته باشم که دوست دارم. فامیل، مخصوصاً عمه‌هام، زیاد حرف می‌زنن؛ مثلاً مامانم می‌گه خونه فامیل چادر سرت کن؛ ولی من نمی‌کنم چون اون وقت دیگه خودم نیستم. اونا باید یاد بگیرن قضاوت نکنن.»

در کنار آن فهم دوستی‌هایی فارغ از جنسیت شکل می‌گیرد که نقش‌های سنتی کنار گذاشته می‌شود و روابطی برابر ایجاد می‌کند که در آن افراد می‌توانند احساسات متنوعی را ابراز کنند. این نگرش بر رشد متقابل و علایق مشترک تمرکز دارد و فرضیه‌های مشکل‌سازبودن دوستی‌های بین‌جنسیتی را رد می‌کند. تصویر بدنی نیز متأثر از رسانه‌های اجتماعی و استانداردهای زیبایی قرار گرفته است. رسانه‌ها با ترویج بدن ایدئال، گاهی حس خوددوستی را تقویت می‌کنند و گاهی نارضایتی ایجاد می‌کنند. این استانداردها رفتارهایی مانند رژیم غذایی یا عمل‌های زیبایی را تشویق می‌کنند که می‌توانند اعتمادبه‌نفس را افزایش دهند یا به کاهش عزت‌نفس منجر شوند.

آوا ۲۰ساله:

«من یه دوره رژیم رو توی اینستا دیدم، اونو اجرا کردم و برام خوب بود. وزنم کم شد، اعتمادبه‌نفسم بالاتر رفت. آخه بعد کنکور وزنم اضافه شده بود و اصلاً بیرون نمی‌رفتم تا اینکه لاغرتر شدم. اگه پول دستم باشه، دماغم رو هم عمل می‌کنم، ژل می‌زنم، لیفت می‌کنم و... من هیچ گاردی نسبت به عمل و کارهای زیبایی ندارم؛ باید همراه با مد روز، زیبا بود.»

استقلال و فردگرایی، افراد را به سوی توسعه فردی و سیالیت جنسیت سوق داده‌اند. دختران جوان از طریق ورزش، هنر یا گروه‌های اجتماعی، هنجارهای جنسیتی را به چالش می‌کشند و هویت خود را آزادانه‌تر ابراز می‌کنند. سبک زندگی

احساس می‌کنم ازدواج مثل کلیدی برای بازکردن خیلی از محدودیت‌هاست؛ مثلاً برای اصلاح صورت باید یواشکی برم یا اجازه بیرون رفتن ندارم. مدام هم مقایسه‌ام می‌کنن با دخترایی که ازدواج کردن و می‌گن فلانی ازدواج کرده، تو هنوز نه! انگار دختری که ازدواج کنه، مقبول‌تره.»

این نقل‌قول نشان‌دهنده فشار اجتماعی برای ازدواج و تأثیر آن بر زندگی روزمره دختران است. به‌طور کلی، گفتمان سنت و بازتولید جنسیت فرایندی پیچیده و چندلایه است که از طریق تعامل میان خانواده، جامعه و فرهنگ عمل می‌کند. این گفتمان با استفاده از ابزارهایی چون کنترل اجتماعی، هنجارسازی و کلیشه‌های جنسیتی، نقش‌ها و هویت‌های جنسیتی سنتی را در جامعه بازتولید کرده و به تداوم ساختارهای نابرابر جنسیتی کمک می‌کند. هرچند نسل جدید ممکن است در برابر این الگوها مقاومت نشان دهد، نفوذ عمیق سنت همچنان به‌عنوان نیروی غالب در شکل‌دهی به تجربه زیسته افراد، به‌ویژه دختران، باقی می‌ماند.

پویایی‌های مدرنیته

پویایی‌های مدرنیته از مقولات فرعی فضاهاى مدرن (دانشگاه، محیط کار، گروه‌های اجتماعی)، فهم فراجنسیتی از دوستی، تصویر بدنی (بدن رسانه‌ای، بدن ایدئال، استانداردهای زیبایی)، استقلال، فردگرایی، سیالیت جنسیت، توسعه فردی و سبک زندگی مدرن ساخته شده است. پویایی‌های مدرنیته شیوه هویت‌یابی و تغییرات نوجوانان را متأثر از نگرش و فضای مدرن در جوامع سنتی روشن می‌سازد.

مشارکت‌کنندگان بیان کردند که فضاهاى مدرن مانند دانشگاه‌ها، محیط‌های کاری و کافه‌ها و فضای آنلاین بستری برای تعاملات نوین فراهم کرده‌اند که به افراد امکان می‌دهند فارغ از قیدوبندهای جنسیتی، خود را ابراز کنند. دانشگاه‌ها با تنوع فرهنگی و فکری، دوستی‌هایی براساس علایق مشترک ایجاد می‌کنند. کافه‌ها نیز با فضای غیررسمی خود، گفت‌وگوهای آزادانه را تشویق می‌کنند و کلیشه‌های جنسیتی را به چالش می‌کشند. گروه‌های اجتماعی مانند

رابطه‌ای فراتر از دوستی داریم. حتی خیلی از نسل جدید هم

هنوز رفاقت بین دختر و پسر رو نمی‌پذیرن.»

در کنار قضاوت اجتماعی رویکرد فراجنسیتی به دوستی نیز با موانعی دیگر مانند سوءاستفاده عاطفی مواجه است. برخی مشارکت‌کنندگان از تجربه‌هایی سخن گفتند که در آن مرزهای دوستی رعایت نشده و به روابطی ناخواسته منجر شده است. این چالش‌ها، پذیرش دوستی‌های فراجنسیتی را دشوارتر می‌کند. پنهان‌کاری از خانواده نیز به دلیل ترس از قضاوت یا طردشدن رایج است، هرچند تعداد کمی از خانواده‌ها این روابط را می‌پذیرند.

چالش‌های فضای مجازی نیز به این مسائل دامن می‌زند. رسانه‌های اجتماعی با ترویج استانداردهای غیرواقعی زیبایی، گاهی حس خودکم‌بینی را تقویت می‌کنند. تابوهای بدنی مانند شرم از ظاهر یا احساس ناکافی بودن، روابط اجتماعی را محدود می‌کنند. برخی مشارکت‌کنندگان از انزوای خودخواسته در جمع‌ها به دلیل نارضایتی از بدنشان سخن گفتند. این عوامل همراه با مزاحمت‌های خیابانی، فضای عمومی را برای دختران ناامن‌تر می‌کنند.

ملیکا ۱۹ ساله:

«راستش خیلی حس خوبی ندارم... مثلاً از بدنم راضی نیستم، دوست داشتم لاغرتر باشم و بدن ایدئالم رو داشته باشم. اینکه همه‌چیز روی فرم باشه. اینستاگرام خیلی تأثیر می‌ذاره. قبلاً کسی این قدر به بدنش فکر نمی‌کرد، ولی الان خیلی مهم‌تر شده. آدم احساس بدی نسبت به بدنش پیدا می‌کنه و فکر تغییر به وجود میاد.»

از سوی دیگر، چالش‌های دختران در خانه که با محدودیت‌هایی چون ساعت رفت‌وآمد، انتخاب لباس، کار بیرون یا حتی مهاجرت تحصیلی گره خورده، فشارهای مضاعفی بر دختران وارد کرده است. کنترل والدین در بیشتر موارد با ارجاع به «نگرانی از حرف مردم» یا «نگرانی از امنیت جامعه» توجیه می‌شود.

کیمیا ۱۸ ساله:

«پوشش خیلی مذهبی داریم و به سری چیزها قفله؛

مدرن با خودآگاهی و تعادل بین صمیمیت و مرزها به مشارکت‌کنندگان امکان داده است تا هویت خود را بازتعریف کنند. پویایی‌های مدرنیته موجب شده‌اند تا هویت جنسیتی و روابط اجتماعی نسل جدید به سمت سیالیت و آزادی بیشتری حرکت کند. فضاهایی مانند دانشگاه‌ها و گروه‌های اجتماعی، بستری جدیدی برای ابراز هویت جنسیتی بدون قیدوبندهای سنتی فراهم کرده‌اند. دوستی‌های فارغ از جنسیت و تغییر نگرش‌ها به بدن و زیبایی در رسانه‌ها از ویژگی‌های این تغییرات هستند. به‌ویژه، دختران جوان با چالش‌کشیدن هنجارهای جنسیتی، هویت خود را آزادانه‌تر بیان می‌کنند. این روند نشان‌دهنده تغییرات عمیق در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جوامع سنتی است.

چالش‌های ساختاری و فرهنگی

چالش‌های ساختاری و فرهنگی از مقولات نگاه کنترل‌گر شهر، چالش‌های فضای مجازی، نگرش جنسیت‌محور به دوستی، باینری جنسیتی، چالش‌های رویکرد فراجنسیتی به دوستی، چالش‌های دختران در خانه، کنترل والدین، تابوهای بدنی، فشار اجتماعی (نگاه سنگین مردم، انگ اجتماعی، مزاحمت خیابانی) شکل گرفته‌اند. مشارکت‌کنندگان چالش‌های زیادی را در تجارب زیسته خود بیان کردند. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، نگاه کنترل‌گر شهر است؛ نگاهی که نه تنها در قالب نظارت‌های رسمی بلکه در سطح خیابان، بازار و فضای عمومی نیز خود را نشان می‌دهد. مشارکت‌کنندگان تجربه نگاه سنگین مردم، شایعه‌سازی و قضاوت اجتماعی در خصوص پوشش، رفتار و تعامل با مردان را بیان کردند. آن‌ها احساس می‌کردند که هر نوع تعاملی میان دختر و پسر حتی در قالبی کاملاً دوستانه و محترمانه زیر نظر و تفسیر منفی دیگران قرار می‌گیرد.

مهدیه ۱۹ ساله:

«وقتی با یه پسر دیگه بیرون می‌ریم، نگاه سنگین بقیه اذیت‌کننده‌ست، مخصوصاً جاهایی مثل مسجد جامع یا رستوران. انگار با نگاهشون قضاوت می‌کنن یا فکر می‌کنن

متمركز بر خانواده و حافظ حیا و نجابت می‌بیند و دیگری متأثر از دنیای مدرن که دختر را مستقل، توانمند، تحصیل کرده و فعال در عرصه‌های اجتماعی معرفی می‌کند. این چندگانگی زیستی موجب می‌شود دختران هویت خود را به شیوه‌های متفاوت و متغیری در موقعیت‌های گوناگون شکل دهند و ابراز کنند. آن‌ها ممکن است در برخی فضاها جنبه‌هایی از هویت سنتی خود را برجسته کنند و در فضاها دیگر، جنبه‌های مدرن‌تر و مستقل‌تر شخصیتشان را نمایان سازند. این انعطاف‌پذیری هویتی ناشی از تلاش دختران برای یافتن تعادل میان پذیرش اجتماعی و بیان فردیت است؛ اما گاهی نیز می‌تواند به احساس ناپیوستگی، عدم اصالت و سردرگمی در برابر «خود واقعی» منجر شود؛ در نتیجه، هویت دخترانگی آن‌ها نه یکپارچه و ثابت، بلکه چندلایه و موقعیتی است که در تعامل با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مختلف شکل می‌گیرد.

سحر ۱۹ ساله:

«من به سری علایق دارم که اونا رو پنهان می‌کنم؛ مثل ماشین، علاقه‌ام به مکانیکی و ماشین سنگین. این‌ها رو نمی‌تونم خیلی بیان کنم؛ اما اگر فرصتی پیش بیاد، حتماً از طریق یوتیوب و شبکه‌های مختلف اجتماعی دنبال می‌کنم و سعی می‌کنم بیشتر درباره‌اش یاد بگیرم.»

این پنهان‌کاری علایق، چنان‌که در روایت سحر مشاهده می‌شود، نه صرفاً به دلیل خاص بودن علاقه‌مندی‌ها، بلکه ناشی از ترس از برچسب‌خوردن و قضاوت شدن توسط محیط است. برای بسیاری از دختران، بیان جنبه‌هایی از هویت که با هنجارهای قالبی ناسازگار است، می‌تواند به طرد اجتماعی یا محرومیت از حمایت‌های عاطفی و خانوادگی منجر شود. در چنین شرایطی، نوعی زندگی دوگانه شکل می‌گیرد که بخشی از آن فقط در خلوت یا فضای مجازی مجال بروز می‌یابد. در کنار این پنهان‌کاری، بسیاری از دختران در تلاش برای بازتعریف دخترانگی از طریق منابع مدرن هویتی نظیر شبکه‌های اجتماعی هستند.

مهديه ۱۹ ساله:

«اون چیزهایی که من فکر می‌کنم طی زندگی یاد

مثل آهنگ غیرمجاز. یا مثلاً عروسی‌هایی که با آهنگ باشه، قفله. حتی اگر دختر مانتو بلند بپوشه، براش قفله. منی که دهه ۸۰ای هستم، با این خانواده سازگار نیستم. الان تونستم یکم باهاشون حرف بزنم و متقاعدشون کنم که جامعه این جوره؛ ولی پس ذهنشون هست که دختر باید این جور باشه.»

این کنترل‌ها ریشه در نگرانی‌های والدین از ناامنی اجتماعی و حرف مردم دارد. تفاوت نگرش نسل‌ها نیز به تنش‌ها دامن می‌زند، از محدودیت در علایق «مردانه» مانند ورزش‌های رزمی تا فشار برای ازدواج زودهنگام. در مجموع، مشارکت‌کنندگان این پژوهش از دل تجارب خود، به خوبی بیانگر مجموعه‌ای از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی‌اند که همچنان زیست دختران را در بستر روابط، بدن، خانواده و اجتماع در فشار قرار می‌دهد.

زیست چندپاره

مقوله زیست چندپاره به وضعیت پیچیده‌ای اشاره دارد که در آن دختران در مواجهه با ارزش‌ها، هنجارها و انتظارات متضاد ناشی از سنت و مدرنیته در تلاش برای شکل‌دهی به هویت خود دچار کشمکش و ابهام می‌شوند. این تعارضات در ابعاد مختلف زندگی آن‌ها نمود پیدا می‌کند و به تجربه‌هایی همچون نگاه دوگانه به خود، درک چندگانه از مفهوم دخترانگی، پنهان‌کاری علایق، نارضایتی بدنی، خودسانسوری و اتخاذ رفتارهای موقعیت‌محور منجر می‌شود. آن‌ها همچون نخ‌آونگی در رفت‌وآمد مداوم بین جاذبه‌های سنت با تعاریف مشخص و بیشتر محدودکننده‌اش از نقش دختران و سوسه‌های مدرنیته با ایده‌هایی از فردیت، استقلال و تنوع، برای شناخت خود و جایگاهشان در جهان دچار زیست چندپاره می‌شوند. در زیست چندپاره دختران، هویت دخترانگی به صورت هم‌زمان در قالب‌های متنوع و گاه متضاد تجربه و ابراز می‌شود. در درون دختران معمولاً چند تصویر از دختر بودن وجود دارد که هرکدام ریشه در زمینه‌ها و ارزش‌های مختلف دارد؛ یکی برگرفته از سنت که دختر را فردی آرام، مطیع،

موجود و تلاش آن‌ها برای بازتعریف جایگاه خویش در خانواده، جامعه و فضاهای آموزشی و دیجیتال است.

در مرحله نخست، گفت‌وگو ابزاری است که دختران برای مذاکره با والدین خود در زمینه‌هایی چون تحصیل، انتخاب رشته، شغل و... به کار می‌گیرند. آن‌ها سعی دارند از طریق استدلال منطقی، نمایش توانمندی‌ها و اشاره به تغییرات اجتماعی، بخشی از نگرش‌های والدین را تغییر دهند. تجربه دخترانی که با پافشاری و گفت‌وگو توانسته‌اند مسیر تحصیل و شغل دلخواه خود را هموار کنند، نشان‌دهنده تلاش برای ایجاد تعادل میان ارزش‌های نسل پیشین و خواسته‌های نسل جوان است. در اینجا، خانواده فقط مانعی در برابر پیشرفت نیست، بلکه می‌تواند به‌مرور به فضایی برای تغییر و تحول تبدیل شود.

هانیه ۱۸ساله:

«اولش مخالف بودن برای جفتش (شغل و تحصیل) و از یه تایمی با پافشاری خودم، اونا رو از طرز فکری قدیمی کشیدم اینورتر که آقا عصر جدید، تکنولوژی اومده. نمی‌گم که بیا تو دوران ما، فقط یکم عوض شو و از اون دوران دورتر شو. بهشون فهموندم که تحصیل و شغل چیز بدی نیست. الان جوری شده که بابام صبح به صبح پا می‌شه می‌گه بیا بی‌رمت دانشگاه و همین چند وقت پیش که رأی‌گیری بود، من نمی‌خواستم رأی بدم و بابام گفت اوکیه؛ می‌خوای رأی بده، می‌خوای نده؛ ولی می‌ترسم دو روز دیگه که خواستی بری سر کار بگن چرا رأی ندادی و کار دولتی.»

همچنین، انطباق به‌مثابه راهبردی نیمه‌فعال زمانی به‌کار می‌رود که امکان گفت‌وگوی مؤثر وجود ندارد یا فشار اجتماعی بسیار بالاست. در این حالت، دختران با پنهان‌سازی بخشی از رفتارها، تنظیم روایت‌ها و سکوت‌گزینی سعی می‌کنند مسیر رشد فردی خود را حفظ کنند، بی‌آنکه وارد تقابل مستقیم شوند؛ برای مثال پوشیدن لباس متفاوت در فضای بیرون از خانه یا پیوستن به انجمن‌های دانشگاهی بدون ذکر جزئیات در خانه، نمونه‌هایی از این انطباق است. این استراتژی اگرچه ظاهراً همسو با نظم موجود است، در بطن خود، حامل نوعی چانه‌زنی خاموش و جابه‌جایی مرزهاست.

گرفتم زنانه است؛ کارهایی مثل لاک بزمن، آرایش کنم، آشپزی کنم. حالم با خودم خوبه یا مثلاً یه چیزی، وقتی کسی نیست خونه و تنهام، شلخته‌ام، همه‌جا بهم ریخته است؛ اما اگر مثلاً بدونم کسی قراره باشه، سریع تمیز می‌کنم، ظرف می‌شورم. اینم به‌خاطر تأییراتی که مادرم روم گذاشته که از بچگی مامانم گفته دختر باید خیلی تمیز باشه و مرتب باشه. برای همین منم سعی می‌کنم همیشه تمیز باشم یا اگه شلخته هستم، این شلختگی را پنهان کنم.»

روایت مهدیه ۱۹ساله تصویری صریح و صادقانه از زیست چندپاره دخترانه ارائه می‌دهد که در آن هویت او در لایه‌های متنوع و گاه متضاد تجربه می‌شود. این زیست چندپاره نه تنها بازتاب مواجهه با فرهنگ‌های مدرن و سنتی است، بلکه در بطن ساختارهای نابرابر جنسیتی نیز ریشه دارد. دختران و زنان جوان با بار سنگین انتظارات اجتماعی از نقش‌های زنانه مواجه‌اند؛ اما هویت آن‌ها هرگز یکپارچه و ثابت نیست، بلکه در هر موقعیت بخشی از این نقش‌ها را می‌پذیرند، بخشی را بازتعریف می‌کنند و بخشی را کنار می‌گذارند. در همین فرایند چندلایه و متغیر، روایت مهدیه از تاب‌آوری و مقاومت خاموش حکایت می‌کند. مقاومت در ادامه‌دادن، پذیرش نقش‌ها و درعین حال تلاش برای تثبیت و ابراز ارزشمندی فردی در میانه تعارض‌ها و محدودیت‌ها.

کنشگری جنسیتی سیال

کنشگری جنسیتی به معنای آن است که دختران به‌جای پذیرش صرف انتظارات جنسیتی، به طرق مختلف برای تغییر و به چالش کشیدن این هنجارها تلاش می‌کنند. این کنشگری فرایندی پیچیده و چندلایه است که میان فردیت و ساختار، خواسته‌های شخصی و انتظارات جمعی، در رفت‌وآمدی مداوم شکل می‌گیرد. تجربه زیسته دختران نشان می‌دهد که آن‌ها در مواجهه با هنجارهای تثبیت‌شده جنسیتی، استراتژی‌های متنوعی را به کار می‌گیرند که می‌توان آن‌ها را در سه محور گفتمان، انطباق و مقاومت دسته‌بندی کرد. این سه‌گانه، روایت‌گر چگونگی مواجهه دختران با نظم جنسیتی

زمان‌مند و مکان‌مند است؛ به این معنا که دختران بسته به موقعیت مکانی و زمانی خود، شکل‌های متفاوتی از زن‌بودن را تجربه و اجرا می‌کنند.

یکی از بنیادی‌ترین جنبه‌های هویت‌یابی جنسیتی، امکان ابراز خود است. دختران بیشتر در فضاهایی که از نظارت والدین، نهادهای رسمی یا هنجارهای سخت‌گیرانه رها هستند، فرصت بیشتری برای بیان خویشتن می‌یابند. این فضاها می‌توانند باشگاه، سالن رقص، کافه یا خانه یکی از دوستان صمیمی باشد. در چنین مکان‌هایی آن‌ها می‌توانند بی‌آنکه در معرض قضاوت‌های بیرونی قرار گیرند، بخشی از هویت واقعی خود را زندگی کنند.

مهلا، ۲۱ ساله درباره تجربه‌اش می‌گوید:

«مربی رقص هستم، خیلی خوبه. کاملاً خودمم و حس خوبی بهم میده. اون لیخندی که رو لبمه باعث میشه که حس کنم خودمم. کلاً وقتی باشگاه هستم یا وقتایی که میرم سالن کار کنم، خیلی احساس خودم بودن را دارم. اون‌تی که خودم می‌خوام نه بقیه! پیش دوستانم که هستم، آره، خیلی خوبه. دور هم جمع می‌شیم، جیغ می‌زنیم و آهنگ می‌ذاریم، بلندبلند می‌خونیم»

این روایت به روشنی نشان می‌دهد که چگونه زمان خاص (حضور در باشگاه) و مکان خاص (خارج از فضای خانه یا مدرسه) امکان تجربه متفاوتی از زن‌بودن را فراهم می‌کنند. فضاهای بدیل مکان‌هایی هستند که دختران در آن‌ها می‌توانند خارج از نظم مسلط جنسیتی، خود را بازتعریف کنند. این فضاها می‌توانند هم فیزیکی باشند، مانند جمع‌های دوستانه در دانشگاه و هم دیجیتال، مانند شبکه‌های اجتماعی. چنین فضاهایی نقش حیاتی در شکل‌گیری هویت جنسیتی دارند؛ زیرا به دختران اجازه می‌دهند معنای متفاوتی برای زن‌بودن خلق کنند. مشارکت‌کنندگان بیان کردند که فضای مجازی همچون مکان بدیلی عمل می‌کند که آزادی بیشتری برای خودافشایی و بازتعریف جنسیت فراهم می‌سازد. برای دختران، جنسیت مفهومی یکپارچه نیست. آن‌ها در موقعیت‌های مختلف، هویت خود را به شیوه‌هایی متفاوت اجرا می‌کنند. این تنوع در

در مرحله سوم، مقاومت به دو شکل عمده بروز می‌یابد: مقاومت منفعل و مقاومت علنی. در نوع اول، دختران با قطع ارتباط کلامی، پنهان‌کاری یا خودسانسوری سعی در حفظ حریم شخصی خود دارند. این شیوه، در عین حال که از درگیری جلوگیری می‌کند، حس نارضایتی و گاه بی‌اعتمادی را نیز در روابط خانوادگی تقویت می‌کند؛ در شکل دوم، مقاومت فعال و مستقیم است. دختران به صراحت با والدین وارد بحث می‌شوند، از انجام دستورات سر باز می‌زنند یا تصمیماتی مستقل اتخاذ می‌کنند. روایت‌هایی مانند تجربه «مهسو» که با وجود مخالفت‌ها مسیر شغلی و سبک زندگی دلخواه خود را دنبال کرده، بازتابی از اراده و عاملیت دختران در برابر نظم سنتی است.

مهسو ۱۹ ساله:

«برخلاف خواهرام که همیشه به حرف والدین گوش می‌دادند، من از به جایی این چرخه را شکستم. علاقه‌ای به آشپزی و کارخونه نداشتم و برای شکستن این مسیر چالش‌های زیادی داشتم؛ اما مدیون کارم هستم که مستقل شدم. با وجود مشکلات زیاد، می‌دونم باید راه خودم رو برم؛ چون بچه آخر بودم، خانواده بعضی وقت‌ها کوتاه می‌اومدن و من هم خودم رو ثابت می‌کردم. محدودیت‌هایی مثل رفت‌وآمد و کلاس داشتم، ولی پافشاری می‌کردم. به دوست پسر صمیمی دارم که همیشه حمایت کرده و هنوزم مخلصم»

در مجموع، این سه‌گانه نشان می‌دهد که کنشگری جنسیتی دختران، تنها در برابر ساختارهای بیرونی شکل نمی‌گیرد، بلکه در تعامل مستمر با خانواده، مدرسه، فضاهای مجازی و اجتماع به وجود می‌آید. دختران در این مسیر به دنبال ساختن هویتی مستقل، چندبعدی و منطبق با ارزش‌های شخصی خویش‌اند؛ هویتی که گرچه ممکن است در ظاهر مطیع یا سازگار به نظر برسد، در جوهره‌اش حامل پیام تغییر است.

زمان‌مندی و مکان‌مندی هویت جنسیتی

در تحلیل تجربه‌های زیسته دختران، نمی‌توان جنسیت را مفهومی ثابت یا یکدست تلقی کرد. جنسیت پدیده‌ای به شدت

هویت جنسیتی خود با چالش‌هایی از سوی خانواده و جامعه مواجه می‌شوند که عبور کامل از دخترانگی سنتی را دشوار می‌سازد. در این تجربه، خانواده نقش ثابتی دارد که دختران را به حفظ هویت سنتی فرا می‌خواند و درمقابل، دنیای مدرن به آن‌ها نیرو می‌دهد تا هویت خود را تغییر دهند.

در امتداد این تجربه سیال، مجموعه‌ای از مفاهیم تحلیلی، ابعاد پنهان و پیدای دخترانگی را آشکار می‌سازند. «سوژگی سیال» بیانگر آن است که دختران در دل کشاکش سنت و مدرنیته، هم‌زمان سوژه‌هایی منفعل و کنشگر هستند که هویت خود را در تعامل با زمینه‌های متغیر اجتماعی بازسازی می‌کنند. «گفتمان سنت و بازتولید جنسیت» از طریق نهادهایی مانند خانواده، نظامی هنجاری بر دختران تحمیل می‌کند، درحالی‌که «پویایی‌های مدرنیته» فرصت‌هایی برای بازتعریف دخترانگی در فضاهای شهری و رسانه‌ای فراهم می‌آورد. این روند در بستری از «چالش‌های ساختاری و فرهنگی» شکل می‌گیرد و تجربه‌ای از «زیست چندپاره» را رقم می‌زند که در آن، دختران میان هویت‌های متضاد در نوسان‌اند؛ با این حال، آن‌ها از طریق «کنشگری جنسیتی» و در بستر «زمان‌مندی و مکان‌مندی جنسیتی» تلاش می‌کنند تا تعاریف تازه‌ای از دخترانگی بسازند که هم بازتاب تجربه زیسته باشد و هم حامل امکان مقاومت.

اجرا نتیجه مکان‌مندی و زمان‌مندی تجربه جنسیتی است. در محیط خانواده ممکن است هویتی مطابق با هنجارهای سنتی بروز یابد، درحالی‌که در جمع دوستان یا فضاهای بدیل، چهره‌ای آزادتر و رهاشده‌تر از زن‌بودن نمایان می‌شود.

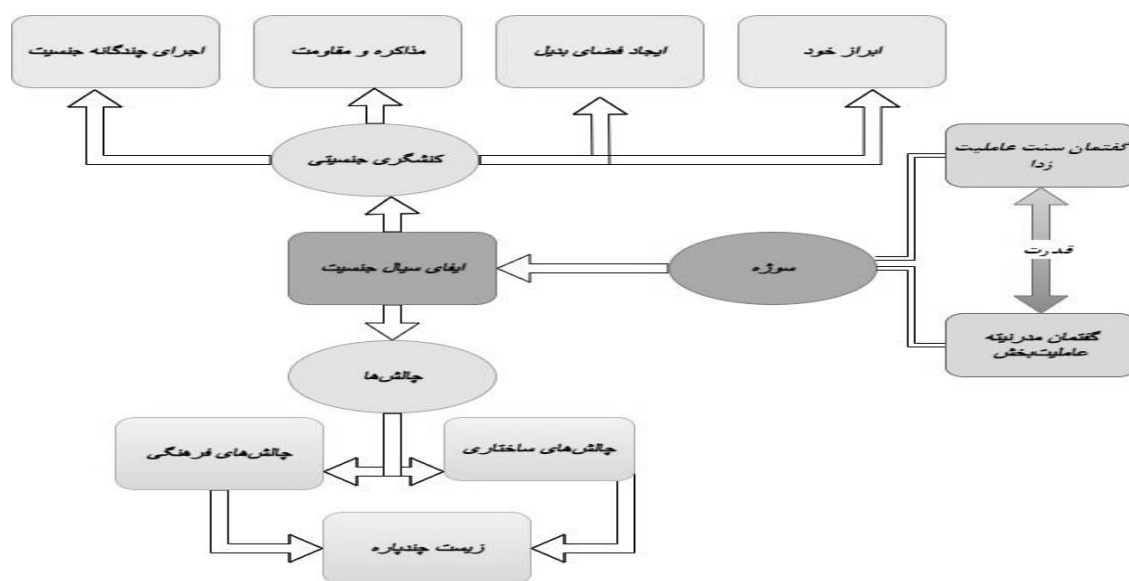
مریم ۲۱ ساله:

«وقتی تو جمع خانواده‌ام خیلی بسته هستم که این کارو بکنم یا خرید دارم با خانواده برم... ولی وقتی با رفیقام، خودمم چون آزادترم و وقتی می‌روم بیرون چادرم رو می‌ذارم کنار. تو جمع خانوادگی موی من باید بیرون نباشه؛ ولی خودم عذاب وجدان دارم، چون می‌گن ماه هیچ‌وقت پشت ابر نمی‌مونه. شاید هم یه روزی بفهمن.»

در این روایت، خانه نماد کنترل و سانسور است، درحالی‌که کافه و فضای بیرون امکان ابراز آزادانه‌تر را فراهم می‌کنند؛ بنابراین، مکان بر کیفیت اجرا تأثیر می‌گذارد و جنسیت به‌عنوان امری چندلایه، بسته به فضا و زمان، شکل می‌گیرد.

مقوله مرکزی: ایفای سیال جنسیت

ایفای سیال جنسیت به معنای تجربه‌ای متغیر از دخترانگی است که توسط عوامل مختلفی شکل می‌گیرد و از پیش تعیین شده نیست. این تجربه مانند گوی خمیری است که از یک سو متأثر از سنت‌ها و ارزش‌های مذهبی به سمت دخترانگی سنتی حرکت می‌کند و از سوی دیگر، با مواجهه با مدرنیته در رسانه‌ها و فضای شهری به سمت زن مدرن سوق داده می‌شود. در این میان، دختران در فرایند شکل‌دهی به



شکل ۱- مدل نظری

Fig 1- Theoretical model

می‌کند؛ مانند الزام به موفقیت حرفه‌ای، داشتن ظاهر ایدئال و روابط عاطفی مطلوب که می‌تواند موجب اضطراب و استرس شود. در این میان دختران با راهبردهای سیالیت جنسیتی میان دو گفتمان مذاکره و مقاومت می‌کنند. آن‌ها عناصر فرهنگی را بازتعریف می‌کنند، کلیشه‌های سنتی را به چالش می‌کشند و هویت‌های چندگانه‌ای را در موقعیت‌های مختلف تجربه می‌کنند. سیالیت جنسیتی بدین معناست که دخترانگی ثابت و ازپیش‌تعیین‌شده نیست، بلکه در تعامل با جامعه و تجربیات فردی شکل می‌گیرد. یکی از راهبردهای دختران برای بازتعریف هویت، اجرای چندگانه جنسیت است. آن‌ها در موقعیت‌های مختلف، هویت‌های متنوعی را به نمایش می‌گذارند و نقش‌های جنسیتی متفاوتی را تجربه می‌کنند. این امر می‌تواند شامل عبور از مرزهای جنسیتی، پذیرش ویژگی‌های مردانه و زنانه به صورت ترکیبی یا حتی ارائه هویت‌های بی‌جنسیتی باشد.

چالش‌های سیالیت جنسیتی شامل موانع ساختاری- فرهنگی است. چالش‌های ساختاری شامل محدودیت‌های قانونی و اجتماعی ناشی از هنجارهای مردسالارانه است که استقلال و فرصت‌های دختران را کاهش می‌دهد. زنان بیشتر با

براساس مدل نظری دخترانگی متأثر از دو گفتمان سنت و مدرنیته شکل می‌گیرد که در یک طیف پیوسته با تعامل پویا قرار دارند. گفتمان سنت از طریق خانواده، زبان و تعاملات اجتماعی، نقش‌های جنسیتی سنتی را تثبیت کرده و محدودیت‌هایی برای دختران ایجاد می‌کند. این گفتمان، آنان را به عنوان موجوداتی وابسته و منفعل نشان می‌دهد و عاملیت را از آن‌ها می‌گیرد. دختران از کودکی با انتظارات خاصی درباره رفتار، ظاهر و نقش‌های اجتماعی مواجه می‌شوند که بر پاک‌دامنی، مطیع بودن و تمرکز بر نقش‌های خانگی تأکید دارد. زبان و شیوه‌های ارتباطی در خانواده و جامعه نیز این ارزش‌ها را بازتولید کرده و استقلال فردی را محدود می‌کنند.

درمقابل گفتمان مدرنیته با تأکید بر فردگرایی، برابری جنسیتی و آزادی، عاملیت را به دختران بازمی‌گرداند. دانشگاه‌ها، محیط‌های کاری و رسانه‌ها، کافه‌ها، پاساژها، باشگاه‌ها و... فضاهایی را ایجاد می‌کنند که در آن دختران می‌توانند هویت خود را مستقلاً تعریف کنند. رسانه‌ها نقش مهمی در ترویج ارزش‌هایی چون تنوع هویتی و حقوق فردی ایفا می‌کنند و تصاویر الهام‌بخشی از زنان موفق ارائه می‌دهند؛ با این حال، این گفتمان نیز فشارهای اجتماعی جدیدی ایجاد

هویت را فراهم می‌آورد. دختران با بهره‌گیری از راهبردهایی چون اجرای چندگانه جنسیت و مذاکره با هنجارها، هویت خود را به صورت سیال و موقعیت‌مند شکل می‌دهند. این زیست چندپاره درعین فراهم کردن فضاهایی برای خلاقیت و عاملیت با چالش‌های ساختاری، فرهنگی و روانی نیز همراه است که تجربه دختران از هویت جنسیتی را پیچیده و متناقض می‌سازد.

یافته‌های پژوهش در پرتو نظریه‌های جودیت باتلر و میشل فوکو امکان تبیین عمیق‌تری از پدیده دخترانگی فراهم می‌آورند. از منظر باتلر جنسیت نه واقعیتی ثابت، بلکه اجرایی سیال و خلاقانه است (باتلر، ۱۳۸۵) که در مقولاتی چون «سوژگی سیال» و «کنشگری جنسیتی» نمود می‌یابد؛ جایی که ابراز خود، خلق و آفرینش و بازتعریف هنجارها بیانگر عاملیت فردی در ساخت هویت جنسیتی‌اند؛ باین حال، این اجراها در تنش با «گفتمان سنت» و انتظارات هنجاری اجتماعی قرار می‌گیرند. درمقابل، تحلیل فوکویی با تأکید بر سازوکارهای قدرت، جنسیت را در بستر گفتمان‌های مسلط و نظارت بر بدن تحلیل می‌کند. مفاهیمی چون «کنترل اجتماعی» و «چالش‌های ساختاری» را می‌توان در این چارچوب فهم کرد (فوکو، ۱۳۹۰: ۲۰-۱). فوکو همچنین مقاومت را نه فقط کنشی فردی، بلکه برآمده از تعامل با ساختارهای قدرت می‌داند (Lilja, 2018: 421-423). همان‌گونه که در مقولاتی مانند «کنشگری جنسیتی»، «خلق بسترهای بدیل» و «زمان‌مندی و مکان‌مندی جنسیتی» مشهود است.

یافته‌های این پژوهش در پیوند میان نظریه باتلر و فوکو نشان می‌دهد که دخترانگی به‌عنوان مفهومی سیال و درحال تحول از طریق تجربه‌ها و انتخاب‌های فردی شکل می‌گیرد و نیز در چارچوب ساختارها و فشارهای اجتماعی بازتعریف می‌شود. این تنش میان کنش فردی و محدودیت‌های اجتماعی، «زیست چندپاره» را به‌وجود می‌آورد که بازتابی از تعامل میان عاملیت و ساختار است. در این چارچوب، دخترانگی به‌عنوان فرایندی چندوجهی و پویا فهم‌شدنی است

تبعیض شغلی، نابرابری درآمدی و کنترل اجتماعی مواجه‌اند که امکان کنشگری آن‌ها را محدود می‌کند. چالش‌های فرهنگی شامل درونی‌سازی کلیشه‌های جنسیتی، فشار برای تطبیق با استانداردهای زیبایی و پذیرش نقش‌های سنتی است. دختران حتی درحالی‌که از نادرستی کلیشه‌ها آگاه‌اند، گاه آن‌ها را می‌پذیرند و با آن‌ها در تعارض قرار می‌گیرند؛ علاوه‌براین، فضای مجازی نیز بستری برای آزار و تمسخر هویت آنان فراهم می‌کند که به بی‌اعتمادی اجتماعی در برابر انتخاب‌های غیرسنتی آن‌ها دامن می‌زند.

در چنین بستری، دخترانگی نه یگانه که متکثر، چندلایه و موقعیتی است. زیست چندپاره به‌عنوان یکی از پیامدهای مواجهه با چالش‌های ساختاری و فرهنگی، تجلی تجربه‌هایی متنوع، گاه متناقض و گاه گسسته از هویت جنسیتی دختران در موقعیت‌های مختلف است. آن‌ها در تلاش‌اند تعریفی از دخترانگی بسازند که میان ارزش‌های فرهنگی و الزامات مدرن تعادل ایجاد کند. این زیست چندپاره ممکن است با فشار روانی، اضطراب اجتماعی و ترس از قضاوت همراه شود، اما درعین حال، فضایی برای کنشگری، بازتعریف خود و خلاقیت هویتی فراهم می‌آورد. دختران از طریق سوژگی سیال میان سنت و مدرنیته حرکت می‌کنند، نقش‌های موجود را بازآفرینی کرده و در بستر زمان‌مندی و مکان‌مندی متغیر، معانی نوینی از دخترانگی را تجربه می‌کنند.

نتیجه

این پژوهش با رویکرد برساختی، مفهوم دخترانگی را نه به‌عنوان واقعیتی ثابت، بلکه به‌عنوان فرایندی پویا و ساخته‌شده در تعامل میان نیروهای اجتماعی و فرهنگی بررسی کرده است. یافته‌ها نشان داد که دخترانگی در تعامل میان دو گفتمان سنت و مدرنیته شکل می‌گیرد. گفتمان سنت با بازتولید انتظارات هنجاری و نظارت اجتماعی تلاش دارد نقش‌های جنسیتی تثبیت‌شده‌ای را تحمیل کند، درحالی‌که گفتمان مدرنیته با تأکید بر فردگرایی و آزادی امکان بازتعریف

نکته تأکید دارند که جنسیت مفهومی انعطاف‌پذیر و متغیر است که در تقاطع با مؤلفه‌هایی چون فرهنگ، مذهب و نژاد بازتعریف می‌شود. پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که دختران یزدی ضمن حرکت در چارچوب‌های سنتی و فرهنگی خاص با پذیرش ویژگی‌های ترکیبی و عبور از مرزهای جنسیتی، مفاهیم تازه‌ای از دخترانگی خلق می‌کنند. این حرکت نمونه‌ای از سوژگی سیال است که با مفهوم «دخترانگی موقعیتی و چندلایه» هم‌راستا است.

تمایز اصلی این پژوهش در تمرکز بر تجربه زیسته و راهبردهای عملی دختران در مواجهه با دو گفتمان سنت و مدرنیته است. برخلاف پژوهش‌های پیشین که بیشتر به بازنمایی‌های رسانه‌ای یا تحلیل‌های نظری محدود می‌شوند، این مطالعه با بهره‌گیری از داده‌های کیفی عمیق نشان می‌دهد که دختران چگونه در موقعیت‌های اجتماعی، جنسیت خود را به شکلی سیال، چندلایه و موقعیتی بازتعریف می‌کنند و ضمن مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی، کنشگری فعال هویتی را بروز می‌دهند. این رویکرد چندبعدی و پویا امکان فهم بهتری از پیچیدگی‌های دخترانگی در جوامع معاصر فراهم کرده و تأکید می‌کند که جنسیت مفهومی ایستا نیست، بلکه فرایندی است در حال تغییر که در بستریهای مختلف اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد.

پیشنهادها:

۱. با توجه به یافته‌های پژوهش، برگزاری کارگاه‌های مهارت‌های زندگی برای دختران نوجوان می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا با چالش‌های هویت جنسیتی، فشارهای اجتماعی و انتظارات خانواده به‌طور مؤثرتر روبه‌رو شوند. این کارگاه‌ها می‌توانند شامل مباحثی مانند اعتماد به نفس، مهارت‌های ارتباطی، حل مسئله، مدیریت استرس و... باشد.
۲. با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان برنامه آموزشی برای والدین طراحی کرد که به آن‌ها کمک کند تا درک بهتری از چالش‌های دختران نوجوان در جامعه امروزی داشته باشند و

که در آن اجرای هویت و مقاومت در برابر هنجارهای موجود به‌صورت هم‌زمان جریان دارد.

یافته‌های این پژوهش با مطالعاتی همخوان است که به نقش نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و رسانه در بازتولید نقش‌های جنسیتی سنتی پرداخته‌اند؛ برای مثال، پژوهش‌های رثوف ملایری و همکاران (۱۳۹۷) و آبیاری و آبیاری (۱۳۹۸) نیز نشان داده‌اند که کلیشه‌های جنسیتی و فشارهای اجتماعی ساختاریافته، عاملیت دختران را محدود کرده و خودپنداره منفی را در آنان تقویت می‌کنند. درعین حال، گفتمان مدرنیته که بر فردگرایی، برابری جنسیتی و حق انتخاب تأکید دارد، بستری نوین برای کنشگری دختران فراهم کرده است. این بُعد از یافته‌ها با نتایج تحقیقات خزائی و چیت‌ساز (۱۳۹۹)، قاسم‌پور و گودرزی (۱۴۰۰) و محمدی (۱۴۰۲) مطابقت دارد که تجربه زیسته دختران را در تلاش برای بازتعریف خود و مقاومت در برابر محدودیت‌ها بررسی کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نیز نشان می‌دهد که دختران تلاش می‌کنند با راهبردهایی چون اجرای چندگانه جنسیت، سیالیت هویتی و بازتعریف کلیشه‌ها در فضاها شهری و رسانه‌ای، خود را فراتر از قالب‌های تحمیل‌شده نشان دهند.

همچنین، پژوهش حاضر در بررسی تنش میان دو گفتمان و تجربه زیست چندپاره، وجهی متمایز دارد. برخلاف برخی مطالعات که تنها به بازنمایی دخترانگی در رسانه‌ها پرداخته‌اند (مانند منتظر قائم و پاک، ۱۳۹۴؛ احمدی و مهرپرور، ۱۳۹۷)، این تحقیق نشان می‌دهد که دختران مصرف‌کننده گفتمان‌های رسانه‌ای نیستند، بلکه با آن‌ها وارد تعامل، نقد و بازآفرینی می‌شوند. درعین حال، فشارهای جدید ناشی از گفتمان مدرنیته مانند الزامات موفقیت، زیبایی و روابط ایدئال می‌تواند موجب اضطراب و احساس ناکافی بودن شود که پیش‌تر به آن‌ها کمتر توجه شده است. همچنین، نتایج این پژوهش با مطالعات بین‌المللی در حوزه سیالیت جنسیتی و هویت‌های تقاطعی نیز همخوان است. پژوهش‌هایی نظیر پایلیچاتی (2015)، میلر (2010)، دایمند (2020)، و ایمن و همکاران (2022) بر این

رئوف ملایری، م.، بهشتی، س.، اسکندری، ح.، و عباس‌پور، ع. (۱۳۹۷). نقش خانواده و مدرسه در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران. *آموزش بهداشت و ارتقای سلامت*، ۶(۳)، ۳۱۱-۳۰۲. <http://journal.ihepsa.ir/article-1-1009-fa.html>

فراستخواه، م. (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر «نظریه برپایه» (گراندد تئوری GTM). چاپ دوم. آگاه.

فلیک، ا. (۱۳۹۴). *درآمدی بر تحقیق کیفی* (ه. جلیلی، مترجم). نشر نی.

فوکو، م. (۱۳۹۰). *اراده به دانستن* (نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، مترجمان). نشر نی.

قاسم‌پور، ف.، و گودرزی، ن. (۱۴۰۰). درک و تصور دختران جوان از جنسیت: مطالعه‌ای پدیدارشناسانه. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۱۷(۶۴)، ۱۸۵-۲۱۰. <https://doi.org/10.22034/jcsc.2021.44318>

محمدی، م. (۱۴۰۲). بررسی تجربیات زیسته دختران دانشجوی از دخترانگی (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان البرز). *زن در توسعه و سیاست*، ۲۱(۱)، ۱۳۷-۱۱۳. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.345930.1008233>

منتظر قائم، م.، و پاک، ه. (۱۳۹۴). تحلیل روایت دخترانگی در سه سریال تلویزیون ایران (پخش شده در سه دهه ۱۳۷۰، ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰). *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۲۲(۲)، ۳۸-۹. <https://doi.org/10.22059/jsr.2016.57034>

نیاز، آ.، و زایری، ق. (۱۴۰۲). بررسی درک دختران از دخترانگی و تبیین آن در نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی (با تأکید بر بندهای ۵ و ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده). *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۲(۵)، ۱۵۳-۱۸۰. https://rahbordfarhangi.csr.ir/article_182017.html?lang=en

References

Abiyar, Z., & Abiyar, S. (2020). Analysis of the understanding of the girls of Isfahan Health House from the fragility of femininity identity. *Bi-Quarterly Journal of Islamic Studies on Social Injuries*, 1(1), 123-140. [In Persian]. https://issh.shahed.ac.ir/article_3672.html?lang=en

به‌طور مؤثرتر با آن‌ها ارتباط برقرار کنند. این برنامه می‌تواند شامل مباحثی مانند هویت جنسیتی، نقش خانواده در شکل‌گیری هویت دختران، ارتباطات مؤثر با نوجوانان و... باشد.

۳. باتوجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان برنامه‌های آموزشی در مدارس طراحی کرد که به دانش‌آموزان دختر درباره هویت جنسیتی، چالش‌های اجتماعی و نقش‌های جنسیتی آموزش دهد. این برنامه‌ها می‌توانند شامل درس‌های اختیاری، فعالیت‌های گروهی، نمایش فیلم باشد.

منابع فارسی

آبیاری، ز.، و آبیاری، ش. (۱۳۹۸). واکاوی فهم دختران خانه سلامت شهر اصفهان از شکندگی هویت زنانگی. *مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی*، ۱(۱)، ۱۲۳-۱۴۰. https://issh.shahed.ac.ir/article_3672.html

احمدی، ح.، و مهرپرور، س. (۱۳۹۷). بازی‌های صورتی و سراب دخترانگی: مطالعه‌ی کیفی سرمایه جنسی ارائه‌شده در بازی‌های رایانه‌ای دخترانه. *مطالعات ماهواره و رسانه‌های جدید*، ۱۷، ۵۵-۸۸. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1614669>

باتلر، ج. (۱۳۸۵). *آشفته‌گی جنسیتی* (امین قضایی، مترجم). مجله شعر.

خزایی، س.، و ریاحی، و م. ا. (۱۴۰۰). مطالعه کیفی بساخت هویت بدنی نوجوانان؛ دختران دبیرستانی شهرستان بروجرد. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۲(۱)، ۱۰۷-۱۳۴. <https://doi.org/10.22108/jas.2020.120923.1852>

خزایی، ط.، و چیت‌ساز، غ. (۱۳۹۹). از زیست گلخانه‌ای تا بازگشت به عادتواره؛ تجربه زیسته دانش‌آموختگان دختر مدارس اسلامی غیردولتی شهر تهران. *مطالعات راهبردی زنان*، ۲۲(۸۷)، ۳۳-۶۲. <https://doi.org/10.22095/jwss.2020.243631.2432>

دانش، پ.، عابدی، م.، و رنجبر، م. (۱۴۰۲). تجربه زیسته دختران از ادراک مسائل و ویژگی‌های مرتبط با جنسیت. *پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی*، ۳(۷)، ۱۰۱-۱۳۳. <https://risi.ihss.ac.ir/Article/43171/FullText>

- <https://doi.org/10.36583/2018040203>
- Hayat, L. (2024). Reshaping the misshapen girlhood identity: An analysis of Black, Muslim, and Indigenous girlhood. *Canadian Journal of Children's Rights/Revue Canadienne des Droits des Enfants*, 11(1), 135–148. <https://doi.org/10.22215/cjcr.v11i1.4985>
- Kachalami, K. M. (2020). Gender representation in Iran's national television and the significance of critical media literacy for Iranian women. *International Journal of Social Science and Technology*, 6(2), 1–12. <https://www.academia.edu/94879438/>
- Kehily, M. J. (2008). Taking centre stage? Girlhood and the contradictions of femininity across three generations. *Girlhood Studies*, 1(2), 50–71. <https://doi.org/10.3167/ghs.2008.010204>
- Khazaei, T., & Chitsaz, G. (2020). From life greenhouse to return to habitus: The study of the experience of graduate girl students of private Islamic schools in Tehran. *Women's Strategic Studies*, 22(87), 33–62. [In Persian]. <https://doi.org/10.22095/jwss.2020.243631.2432>
- Khazaie, S., & Riahi, M. (2021). A qualitative study of adolescent body identity (high school girls in Boroujerd). *Journal of Applied Sociology*, 32(1), 107–134. [In Persian]. <https://doi.org/10.22108/jas.2020.120923.1852>
- Krajewski, S. (2023). The deadly couch: Physical (in)activity in middle-aged women in Australia. *Ageing & Society*, 43(6), 1241–1258. <https://doi.org/10.1017/S0144686X21001008>
- Lilja, M. (2018). The politics of time and temporality in Foucault's theorisation of resistance: Ruptures, time-lags and decelerations. *Journal of Political Power*, 11(3), 419–432. <http://dx.doi.org/10.1080/2158379X.2018.1523319>
- Lindqvist, A., Sendén, M. G., & Renström, E. A. (2021). What is gender, anyway: A review of the options for operationalising gender. *Psychology & Sexuality*, 12(4), 332–344. <https://doi.org/10.1080/19419899.2020.1729844>
- Mazzuca, C., Majid, A., Lugli, L., Nicoletti, R., & Borghi, A. M. (2020). Gender is a multifaceted concept: Evidence that specific life experiences differentially shape the concept of gender. *Language and Cognition*, 12(4), 649–678. <https://doi.org/10.1017/langcog.2020.15>
- Miller, S. A. (2010). Making the boys cry: The performative dimensions of fluid gender. *Text and Performance Quarterly*, 30(2), 163–182. <https://doi.org/10.1080/10462931003658099>
- Mohammadi, M. (2023). A study of lived experiences of female students from girlhood (A case study of female students of Alborz Farhangian University). *Women in Development and Politics*, 21(1), 113–137. [In Persian]. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.345930.1008233>
- Ahmadi, H., & Mehrparvar, S. (2018). Pink games and the mirage of girlhood: A qualitative study of sexual capital in girls' video games. *Satellite Studies and New Media*, 17, 55–88. [In Persian]. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1614669/>
- Butler, J. (1990). *Gender trouble: Feminism and the subversion of identity*. Routledge.
- Butler, J. (2006). *Gender trouble* (A. Ghazayi, Trans.). Majalle-ye Sher Publishing. [In Persian].
- Charmaz, K. (2006). *Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis*. SAGE Publications.
- Danesh, P., Abedi, M., & Ranjbar, M. (2024). Girls' lived experiences of the perception of issues and characteristics associated with gender. *Research of Deviance and Social Problems*, 3(7), 101–133. [In Persian]. <https://risi.ihss.ac.ir/Article/43171/FullText>
- Daniels, E. A., Zurbruggen, E. L., & Ward, L. M. (2020). Becoming an object: A review of self-objectification in girls. *Body Image*, 33, 278–299. <https://doi.org/10.1016/j.bodyim.2020.02.016>
- Diamond, L. M. (2020). Gender fluidity and nonbinary gender identities among children and adolescents. *Child Development Perspectives*, 14(2), 110–115. <https://doi.org/10.1111/cdep.12366>
- Epstein, R., Blake, J., & González, T. (2017). *Girlhood interrupted: The erasure of Black girls' childhood* [Working paper]. SSRN. <https://ssrn.com/abstract=3000695>
- Eymann, A., Bellomo, M. M., Kraussa, M., Pérez, A. R. S., Catsicaris, C., & Mulli, V. (2022). Exploration of gender perceptions among adolescents. *Archivos Argentinos de Pediatría*, 120(4), 240–247. <http://dx.doi.org/10.5546/aap.2022.eng.240>
- Farasatkah, M. (2016). *Qualitative research method in social sciences with emphasis on grounded theory (GTM)* (2nd ed.). Agah. [In Persian].
- Flick, U. (2015). *An introduction to qualitative research* (H. Jalili, Trans.). Ney Press. [In Persian].
- Foucault, M. (1978). *The history of sexuality* (Vol. I). (R. Hurley, Trans.). Pantheon Books. (Original work published 1976).
- Foucault, M. (2011). *The history of sexuality*. (N. Sarkhosh & A. Jahandideh, Trans.). Ney Publishing. (Original work published 1976) [In Persian].
- Ghasempour, F., & Godarzi, N. (2021). The understanding of young girls about gender: A phenomenological study. *Cultural Studies & Communication*, 17(64), 185–210. [In Persian]. https://www.jcsc.ir/article_44318.html?lang=fa
- Hannell, B. (2021). Muslim girlhood, Skam fandom, and DIY citizenship. *Girlhood Studies*, 14(2), 46–62. <https://doi.org/10.3167/ghs.2021.140205>
- Hashemi, K. C. (2018). Divergent identities in Iran and the appropriation of trans bodies. *Kohl: A Journal for Body and Gender Research*, 4(2), 139–150.

- Montazerghaem, M., & Pak, H. (2016). Narrative analysis of girlhood in three TV serials: Broadcasted during 1990s, 2000s and 2010s. *Sociological Review*, 22(2), 9–38. [In Persian]. <https://doi.org/10.22059/jsr.2016.57034>
- Niaz, A., & Zaeri, Q. (2023) Investigating girls' understanding of girlhood and explaining it in the policy and social planning system with emphasis on paragraphs. *Socio-Cultural Strategy*, 12 (5), 153–180. [In Persian]. https://rahbordfarhangi.csr.ir/article_182017.html?lang=en
- Nyachae, T. M., Smith-Purviance, A., Reynolds, A. D., & Toliver, S. R. (2024). Where we live and be: (Re)Turning to Black girlhood for project-praxes of otherworld-making in educational research. *International Journal of Qualitative Methods*, 23. <https://doi.org/10.1177/16094069241300996>
- Pielichaty, H. (2015). 'It's like equality now; It's not as if it's the old days': An investigation into gender identity development and football participation of adolescent girls. *Soccer & Society*, 16(4), 493–507. <https://doi.org/10.1080/14660970.2014.882822>
- Raouf-Malayeri, M., Beheshti, S., Eskandari, H., & Abbaspour, A. (2018). The role of family and school on the formation of gender identity of girls: A qualitative study. *Iranian Journal of Health Education and Health Promotion*, 6(3), 302–311. [In Persian]. <http://dx.doi.org/10.30699/acadpub.ijhehp.6.3.302>
- Sawyer, S. M., Azzopardi, P. S., Wickremarathne, D., & Patton, G. C. (2018). The age of adolescence. *The Lancet Child & Adolescent Health*, 2(3), 223–228. [https://doi.org/10.1016/S2352-4642\(18\)30022-1](https://doi.org/10.1016/S2352-4642(18)30022-1)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی